



Shahid Soleimani and the direction of the defense-security doctrine of J.A. Iran with an emphasis on: active activism and the «extraordinary insight decision-making» model

Received : 2023/07/14

accepted : 2023/08/16

abstract



Ali Bagherizadeh:
Assistant professor
of political science
and faculty member
of Rafsanjan
branch, Islamic
Azad University of
Rafsanjan, Iran

Email:
alibagherizadeh401@gmail.com

The grand defense strategy of each country is embodied and crystallized in its defense and security doctrine. In order to achieve this goal, the security elites plan and operate the country's defense doctrine according to the level of actual and potential threats. The insecurity situation in the surrounding environment has caused the decision-making elites in the field of defense-security doctrine, the index of security, to take an explicit proactive approach. and make the central idea in the surrounding turbulent environment the centrality of the country's defense strategy. To explain that any inaction in security areas leads to spillover of insecurity and chaos from the peripheral environment to the internal environment. Senior military commanders, as decision makers in the security field, play a central role in this important matter by drawing and designing defense lines. Lt. Gen. Martyr Hajj Qassem Soleimani, as a personality who with extraordinary talent and vision, with his strategic decisions, increased the national security factor A. promoted Iran to the highest level in the country's history. In the way that he is considered as the architect of Iran's strategic security and stability. Iran is examined. The main question of the article is emphasized for this topic: What effects has the strategic thinking of Shahid Soleimani had on the orientation of the security doctrine of Iran? The increasing search for security, geopolitical dynamics, active deterrence, strategic depth, continuity of hard and soft power, active strategic and idea-oriented activism» has had a direct and decisive impact on the direction of the Iranian defense-security doctrine. Specific findings The research shows that: «I.R. Iran's» defense-security doctrine is influenced by the wise thinking of Martyr Soleimani in the form of a fixed model of Iranian realism, from the perspective of the realist government, there is a paradigm shift from a reflexive and reactive approach to a proactive approach to active security and «Strategic frankness has been proportionate to the threats.»

Key words: Shahid Soleimani, security doctrine, defense strategy, active security activist, extraordinary insight model

شهید سلیمانی و جهت گیری دکترین دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران با تاکید بر: کنشگری فعال و مدل «تصمیم گیری بینش فوق العاده»

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

چکیده

راهبرد کلان دفاعی هر کشور در دکترین دفاعی و امنیتی آن تجسم و تبلور می نماید. نخبگان امنیتی برای نیل به این مهم دکترین دفاعی کشور را متناسب با سطح تهدیدات بالفعل و بالقوه برنامه ریزی و عملیاتی می کنند. وضعیت ناامنی در محیط پیرامونی باعث شده است که نخبگان تصمیم ساز در حوزه دکترین دفاعی-امنیتی شاخص امنیت سازی، رویکرد کنشگری صریح و ایده محور در محیط پر آشوب پیرامونی را محوریت راهبرد دفاعی کشور قرار دهند. بدین توضیح که هر گونه انفعال در حوزه های امنیتی منجر به سرریزی ناامنی و آشوب از محیط پیرامونی به محیط داخلی می شود. فرماندهان ارشد نظامی بعنوان تصمیم سازان حوزه امنیتی با ترسیم و طراحی خطوط دفاعی در این امر مهم نقش محوری را ایفا می کنند. سبهد سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان شخصیتی که با استعداد و بینش فوق العاده، با تصمیمات راهبردی خود ضریب امنیت ملی ج.ا.ایران را به بالاترین سطح در تاریخ کشور ارتقا داد. به نحوی که ایشان را معمار امنیت و ثبات راهبردی ایران قلمداد می کنند. در مقاله حاضر بطور مشخص تاثیر شهید سلیمانی بر چگونگی ساختار، ماهیت و ابعاد الگوی امنیت راهبردی ج.ا.ایران مورد بررسی قرار می گیرد. پرسش اصلی مقاله برای موضوع تاکید دارد: تفکر راهبردی شهید سلیمانی چه تاثیراتی بر جهت گیری دکترین امنیتی ج.ا.ایران داشته است؟ فرضیه مقاله معطوف به این گزاره است: شهید سلیمانی با تثبیت شاخص های: «امنیت جویی فزاینده، تحرک ژئوپلیتیک، بازدارندگی فعال، عمق بخشی استراتژیک، پیوستگی قدرت سخت و نرم، کنشگری فعال راهبردی و ایده محور» بر جهت گیری دکترین دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران تاثیر مستقیم و تعیین کننده داشته است. یافته های مشخص تحقیق نشان می دهد که: «دکترین دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران متأثر از تفکر خردمندانه شهید سلیمانی در قالب الگوی ثابت رئالیسم ایرانی، از منظر دولت واقع گرایی دارای شیفت درون پارادایمی از رویکرد انعکاسی و واکنش گرایانه به رویکرد کنشگرایانه امنیتی فعال و صراحت راهبردی در مقابله به مثل متناسب با تهدیدات بوده است.

کلیدواژه ها: شهید سلیمانی، دکترین امنیتی، راهبرد دفاعی، کنشگر فعال امنیتی، مدل بینش فوق العاده



علی باقری زاده:

استادیار علوم سیاسی و عضو هیئت علمی واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی رفسنجان، ایران

Email: alibagherizadeh401@gmail.com

مقدمه:

انسان ها در طول تاریخ کنار یکدیگر و در ساختار اجتماعی زیسته اند و هر کجا که ساختار حاصل آید با مفهوم برتری و اقتدار همراه بوده است و امنیت به ضرورت بنیادین در ساختار اجتماعی تبدیل شده است. از نظر گاه اسلام نیز آیات متعددی بر ضرورت وجود امنیت در زندگی اجتماعی تاکید کرده است. و بر همین اساس امنیت نخستین و مهم ترین شرط یک زندگی سالم و اجتماعی است. در روایات اسلامی نیز به امنیت به عنوان عاملی که وظیفه حکومت تامین حداکثری آن است. اشاره شده است، امیر مومنان (ع) فلسفه وجودی امنیت را فراهم ساختن امنیت می داند. که از هر طریقی به وسیله نیروهای مسلح باید تامین گردد.

بر اساس مجموعه آموزه های اسلامی می توان در راستای ضرورت وجود امنیت برای جامعه اسلامی دو اصل اساسی را استنتاج کرد. ارزش امنیت و حافظان آن، سرعت عمل در برابر آرامش ستیزی و برهم زدن امنیت، این دو اصل در کنار یکدیگر خواهند توانست امنیت زندگی اجتماعی را تامین کند و از وجود آن صیانت کنند. در این راستا برای تامین امنیت راهبردهای گوناگونی بکار می رود که از الگوی خاصی تبعیت می کند و هر کشور بر اساس ساختار کشور و شرایط خاص خود اقدام به سازماندهی الگوی امنیت خود می کند. (بالایی و اسمائیلی، ۶: ۱۳۹۴).

کشور ایران بدلیل واقع شدن در منطقه خاورمیانه با مخاطرات، چالش ها و تحولاتی عمده در محیط امنیتی خود روبروست. خاورمیانه یکی از مناطق استثنایی به شمار می رود که هنوز هیچ گونه نشانه جدی از استقرار این گونه نظام امنیتی در محیط پیرامونی ایران به چشم نمی خورد. عدم شکل گیری نظام امنیتی فراگیر و پایدار و تداوم ناامنی و بی ثباتی در عرصه خاورمیانه با عوامل متعددی در ارتباط است که از آن جمله، موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه، منابع عظیم نفت و گاز، تقویت حضور قدرت های فرامنطقه ای در محیط پیرامونی ایران، افراط گرایی، تنش های قومی، فرقه ای و تروریسم، دولت های ضعیف و شکننده و عدم اعتماد بازیگران منطقه ای به یکدیگر حائز اهمیت است. با توجه به شرایط و ویژگی های خاص منطقه خاورمیانه و تاثیرگذاری عوامل مختلف، در سطوح فروملی، ملی، منطقه ای، و فرامنطقه ای در امنیت آن، هرگونه ترتیبات امنیتی موفق مستلزم در نظر گرفتن تمامی عوامل و مولفه های فوق با رویکرد تدریجی و فراگیر است. ج.ا. ایران از منظر حوزه ای در منطقه ای واقع شده که هیچ گونه ترتیبات امنیتی پایدار و توافقی شده در آن وجود ندارد. ایران در جهت کاهش تهدیدات امنیتی ناشی از محیط پیرامونی خود رویکرد امنیت سازی مبتنی بر حل و فصل چالش ها و معضلات امنیتی را در پیش گرفته است. (واعظی، ۱۳۸۷/۱/۱۷ دیپلماسی ایرانی).

به جرأت می توان گفت منطقه غرب آسیا به جهات مختلف ژئوپلیتیک «سیاسی»، ژئواستراتژیک

«راهبردی»، ژئواکونومی «اقتصادی»، ژئوئکالچر «فرهنگی»، محل تلاقی و تعارض منافع و خواست ها و در نتیجه محل بروز جنگ ها، خشونت ها و تحولات جهانی است. به همین دلیل همواره به حافظ صلح، ثبات و امنیت نه تنها برای ملل و کشورهای منطقه بلکه برای جهان و مهم و حساس بوده است. در طول سده ها و دهه های گذشته، خواست ابرقدرت ها همواره تسلط بر این منطقه بوده و در نتیجه ریشه بسیاری از ناامنی ها، خشونت ها، و جنگ ها حاصل حضور و دخالت این کشورهای فرمانطقه ای در غرب آسیاست. با تغییر ژئوپولیتیک منطقه در اوایل هزاره جدید صلح و امنیت منطقه هدف توطئه های مختلفی قرار گرفته است. و این منطقه که می رفت شاهد شکوفایی اقتصادی خوبی بعد از منطقه آسه آن باشد. هدف توطئه های خصمانه قرار گرفت و نقشه های فراوانی برای به چالش کشیدن کشورهای منطقه آن طراحی و یکی پس از دیگری اجرا گردید. در اینجا محورهای مختلف مقاومت در مقابل این توطئه ها شکل گرفت. همانند نهضت بیداری اسلامی «بهار عربی» که به انحای مختلف دچار شکست و انحراف گردید. اما این جنبش ها موجب هوشیاری بیشتر توطئه گران را در اجرای منویاتشان شده به همین جهت با تغییر تاکتیک و ایجاد گروه های تروریستی و افراطی به مثابه آنتی تز این جنبش ها چالش های جدیدی را در منطقه پدید آوردند. در این میان مهم ترین عامل بازدارنده در مقابل این تاکتیک ها، ج.ا.ایران، مقامات ارشد، و سیاستمداران آن خاصه شخص سردار سلیمانی بود. وی با ایفای نقش های متنوع در مقابل این راهبرد برهم زننده صلح و ثبات منطقه ایستاد. (پاک پرور، ۱۳۹۹).

حفظ و ارتقاء ضریب امنیت ملی از مهم ترین اصل و وظایف اولیه هر کشور در راستای حفظ منافع حیاتی و دفع تهدیدات راهبردی هر نظام سیاسی است. هر کشوری برای تأمین امنیت ملی و حفظ منافع راهبردی خود نیاز به طراحی یک منظومه امنیتی پایدار تحت عنوان الگوی امنیت راهبردی دارد. حوزه راهبردی و محیط امنیتی ایران به گونه ای خاص کانون تهدیدات بالقوه و بالفعل علیه منافع و مواضع راهبردی ایران است. مجموع این شرایط پیچیده و امنیت زدا جهت گیری الگوی امنیت راهبردی کشور را به سمت و سویی متناسب و مطابق با اقتضائات محیطی و تحولات جدید حوزه پیرامونی هدایت کرده است.

نخبگان سیاسی و امنیتی که در مقام تصمیم سازی و تصمیم گیری نسبت به مسائل کلان و راهبردی کشور هستند نقش اصلی را در شکل دهی به سیاست های کلان و راهبردی کشور ایفا می کنند. سازماندهی الگوی امنیت راهبردی از آن جهت ضرورت دارد که همواره عواملی وجود دارند که در تضاد با ثبات مواضع و راهبردی کشور قرار دارند. شهید سلیمانی در طول دوران پربرکت حیات خود اقدامات زیادی را در راستای تحکیم مواضع راهبردی کشور در زمینه بازدارندگی توان دفاعی-امنیتی و اقتدار در عرصه سیاست خارجی کشور انجام داده است. اندیشه

و مواضع راهبردی ایشان نقش بسزایی در شکل دهی به ماهیت و ساختار دکترین دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران تاثیر داشته است به نحوی که حتی بعد از شهادت ایشان هم بصورت پایدار الگوی امنیت راهبردی که ایشان سازماندهی و طراحی کرده است ضامن بقاء راهبردی و تداوم منافع استراتژیک کشور و انقلاب اسلامی شده است.

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در مقام یک فرمانده نخبه و استراتژیست بسیار خردمند در جهت تثبیت و اعتلای منافع راهبردی انقلاب اسلامی اقدامات بسیار موثر انجام داد. مواضع راهبردی شهید سلیمانی دارای یک نوع جامعیت راهبردی است که تاثیر مستقیم بر ماهیت و جهت گیری الگوی امنیت راهبردی کشور داشته است. ایشان روش مواجهه با چالش های راهبردی را به شیوه محدود و تک ساحتی دنبال نمی کردند. نیروی ستادی و میدانی بصورت ترکیبی و در قالب پیوستگی در اندیشه راهبردی شهید سلمانی هماهنگ و همسو نقش آفرینی می کنند. سردار شهید سلیمانی در عرصه های بسیاری بعنوان یک شخصیت ماهر در زمینه دیپلماسی در راستای وحدت بین کشورهای اسلامی و میانجیگری بین نیروهای مختلف در کشورهای همسایه و ایجاد ثبات داخلی بین آنها اقدامات بسیار شایسته ای انجام دادند. از همه مهمتر در مقام فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران ضمن رفع تهدیدات گسترده، فرصت های بسیار زیاد در حوزه اثربخشی و نفوذ منطقه ای کشور ایجاد کردند. بنحویکه بعد از مدت ها ج.ا.ایران از انزوای تحمیل شده خارج و دارای متحدان منطقه ای زیادی در قالب محور مقاومت شده است. قدر مسلم در شرایط خاص منطقه خاورمیانه و محیط ناامنی که حوزه راهبردی ج.ا.ایران در آن واقع شده است الگوی راهبردی حاکم بر مناسبات امنیتی کشور متاثر از مواضع و نقطه نظرات معمار امنیت ملی و راهبردی ج.ا.ایران شهید سلیمانی است. تصمیم سازی و تصمیم گیری شهید سلیمانی در حوزه دفاعی و امنیتی را می توان در قالب تصمیم گیری از نوع مدل بینش فوق العاده نام نهاد. مشخصا در تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سوال محوری هستیم که شهید سلیمانی بعنوان فرمانده ارشد نظامی و مغز متفکر چه تاثیری بر ماهیت و جهت گیری الگوی امنیت راهبردی ج.ا.ایران داشته است؟

- چهارچوب مفهومی تحقیق:

-تصمیم گیری بر اساس مدل بینش فوق العاده:

تاکید این مدل بر برخورداری برخی از تصمیم گیرندگان و سیاستگذاران از توانایی ها، استعداد های فوق العاده، ابتکارات، نوآوری و خلاقیت است. به گونه ای که در پاره ای از موارد وجود اینگونه توانایی ها، نظرها و نقش سایر عوامل و نهاد های تصمیم گیرنده را تحت الشعاع خویش قرار می

دهد. (قوام، ۱۳۷۵: ۵۵). این مدل در روانشناسی سیاسی استفاده می شود، زیرا بر نقش توانایی ها و استعدادها افراد تاکید می کند. به طوری که نقش باقی عوامل تحت تاثیر این عامل قرار می گیرد. در این مدل سیاستگذارانی که دارای بینش فوق العاده هستند، مهم تلقی می شوند، مثل شخصیت های بزرگ و تاریخ ساز. (گلشنی، ۱۰۵: ۱۳۹۶). رهبری در رابطه هدایت جنگ و بکارگیری تاکتیک یک عنصر قدرت است. این عامل در قلمرو سیاسی اهمیت بیشتری دارد. چون در این محدوده که سونوشت سازترین ملاحظات سیاسی شامل تصمیمات در مورد استراتژی ملی و نظامی مطرح می گردد. بنابراین در محاسبه قدرت باید کیفیت بالقوه و عملی رهبری یک کشور نیز دقیقاً ارزیابی شود. اگر یک کشور بوسیله افراد لایق کاردان، و با حسن نیت در جهت رسیدن به آرمان های ملی اداره شود. شکی نیست که ثمرات آن بطور مستقیم در افزایش مدرت ملی خواهد داشت. (کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۰۵-۱۰۴). بازیگرانی که دارای ویژگی ها و خصوصیات ذهنی و رانشناختی بسیار قوی هستند معمولاً این توانایی را دارند که در شرایط حساس و بحرانی بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند. از ادامه یک بحران و سرایت آن به سایر حوزه ها جلوگیری کنند و با اتخاذ تصمیمات موثر و راهبردی شرایط نامطلوب را به سمت تعادل و عادی سازی سوق دهد و نهایتاً از گذر بحران به مرحله فروپاشی جلوگیری به عمل آورد. همواره در طول تاریخ رهبران خردمند و فرماندهان دارای بینش راهبردی با اتخاذ تصمیمات خردمندانه و مبتنی بر عقلانیت راهبردی خدمات قابل توجهی به جامعه ی بشری بطور خاص در راستای حفظ مصالح و تامین امنیت ملی کشور خود انجام داده اند.

- همسویی و انطباق راهبرد امنیت سازی شهید سلیمانی با مدل تصمیم گیری بینش فوق العاده: خصوصیات ممتاز او باعث شده بود تا شهید سلیمانی خالق، چشم انداز ها، قواعد، و دکترین های نوین و کاربردی برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه باشد. او با تسلط منحصر به فردی که در حوزه فعالیت های نظامی، امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک داشت و همچنین هوش و آفری که در این زمینه از آن برخوردار بود. بسیاری از قواعد بازی را به چالش می کشید. و فرصت های جدیدی برای جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت اسلامی خلق می کرد. فرصت هایی که حتی با شهادت او متوقف نشده است. شهید سلیمانی با بهره گیری از فرصت هایی که خود به وجود آورنده آنها بود. سیاست های ضد ایرانی و ضد اسلامی آمریکا و متحدان منطقه ای اش را به شکست می کشاند. دکترین جنگ نامتقارن که امروزه بزرگترین چالش ایالت متحده و رژیم صهیونیستی در منطقه است. از دستاورد های بزرگی است که شهید سلیمانی در طول سال های فعالیت خود انرا بخوبی طراحی و عملیاتی کرد.

تفکر و نگاه راهبردی شهید سلیمانی در هر شرایطی بخصوص در مقاطع دشوار مبارزه با

تروریسم بین‌المللی داعش که باعث گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در برخی کشورهای منطقه شده بود، با رویکرد عملیاتی اش همسو و مکمل هم بودند. او با بهره‌گیری از همین تفکر و رویکرد توانست در لبنان، عراق و سوریه، و... نه تنها در حوزه ایجاد امنیت و دفع تهدیدات ناشی از تروریسم و سیاست‌های امریکایی موفق شود، امنیت و ثبات را به این کشورها به ارمغان بیاورد. بلکه افزون بر آن روش تولید امنیت و ثبات را هم در این کشورها و مناطق نهادینه کند. از جمله اقدامات مهم و استراتژیک شهید سلیمانی که ناشی از توأمی تفکر راهبردی و عملیاتی ایشان بود، از هوش و نبوغ سرشار او در عرصه فعالیت‌های سخت سیاسی نظامی و امنیتی نشأت می‌گرفت. ارتقاء قدرت و توان بازدارندگی، جمهوری اسلامی ایران و متعاقب آن جبهه مقاومت اسلامی در منطقه است. که در دوره فرماندهی ایشان در نیروی قدس این امر مهم به شدت تقویت شد. قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین مولفه نظم نوین منطقه در غرب آسیا است. که شهید سلیمانی در ایجاد و امکان اعمال آن نقش موثری داشته است. افزون بر این‌ها، شهید سلیمانی، در ایجاد قدرت بازدارندگی نیابتی کشور نقش اساسی داشته است به طوری که باید این شهید عالی مقام را پدر بازدارندگی نیابتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا دانست. شهید سلیمانی علاوه بر اینکه در زمره یکی از شخصیت‌های طراز اول نظامی قرار داشت. در حوزه مسائل راهبردی به معنای واقعی کلمه استراتژیست و مغز متفکر بود. (شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴). سردار سلیمانی در یادگیری استعداد خاصی داشت. حتی استعدادش در فرماندهی بسیار خوب بود. در این زمینه فوق‌العاده عمل کرد. رزمندگان هنر نظامی اش را قبول داشتند و به همین جهت بعنوان فرمانده در عملیات‌ها حضور داشت. سردار سلیمانی از نبوغ نظامی خاص و بالایی برخوردار بود.

در زمینه دانش رزم کاملاً مسلط بود. فرماندهی سپاه قدس فرصتی را برایش فراهم کرد که با توانایی‌های مختلف جبهه مقاومت در منطقه آشنا شود. و به لحاظ هوشمندی و توان فرماندهی و مدیریتی که از آن برخوردار بود به سرعت توانست در این عرصه کارساز و تاثیرگذار شود. رشادت، شجاعت، عملکرد خوب و بموقع، و در نهایت فرماندهی بی‌نظیرش در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موجب شده که پس از دریافت چند نشان، نشان ذولفقار را که بالاترین درجه نظامی کشور است را برای اولین بار از سوی فرماندهی معظم کل قوا دریافت کند. این نشان برآستی در شان و برای او بود. منطقه‌ای که امروز برقرار است نتیجه مجاهدت و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر سردار بزرگ و جهانی ما یعنی سردار سپهبد سلیمانی است. او در هر نقطه‌ای که جنگید برای استقرار امنیت و آرامش و بازگرداندن زندگی جاری و طبیعی مردم به آنان انجامید. (شبکه اطلاع‌رسانی دانا، ۱۴۰۰/۱۰/۱۳). شخصیت وجودی حاج قاسم چند بعدی است. یکی از

وجوه مهم شخصیتی حاج قاسم توان منحصر به فرد ایشان در تولید قدرت ملی و بین المللی برای جهان اسلام و جبهه مقاومت بود. شخصیتی فراگیر، فراحزبی، و به معنای واقعی کلمه سرباز ملت بود. (کنعانی، خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱/۱۰/۱۰).

حاج قاسم می توانست خوب فکر کند و خوب آن فکر را عملیاتی کند. او قادر بود سطح راهبردی را به سطح تاکتیکی پیوند بزند. حاج قاسم نگاه اطلاعاتی و امنیتی فوق العاده ای داشت. شرایط و محیط را می توانست بفهمد و درک کند، فهم و تحلیل درست از شرایط ارائه کند. ایشان این دیدگاه فوق العاده را داشت. که در مسائل امنیتی شرایط را همانگونه که هست ببیند و درک کند. دیپلماسی عمومی و دیپلماسی امنیتی را بخوبی می فهمید. (سردار حسین دهقان، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳). در صحنه مناسبات جهانی و منطقه ای نیز خصوصیات مهمی مانند ویژگی کاریزماتیک، توانایی قابل اغنا در مذاکره و اقناع در مذاکرات، فرصت سازی و فرصت شناسی، توان تبیین و حل معماهای امنیتی داشت. او الگوی عمل نبردهای ترکیبی و کلاسیک نامتقارن و ریسک پذیر میدان بود و پیوند میان نظر و عمل را به نمایش می گذاشت. (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).

-تاثیر تهدیدات محیط پیرامونی در جهت گیری راهبرد دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران و ضرورت اتخاذ راهبرد فعال و کنشگرانه:

تمام نظام های سیاسی جهان به منافع ملی و امنیت ملی توجه ویژه ای دارند. و تامین آن از جمله اساسی ترین اهداف و وظایف اصلی آنها محسوب می شود. سیاست خارجی و امنیتی دولت ها در خلأ شکل نمی گیرد. در واقع تعریف و تامین اهداف سیاست خارجی و امنیتی خود و رقبایش در عرصه بین الملل است. از این رو یک برآورد و ارزیابی واقع بینانه از محیط امنیتی می تواند یک دولت را در تامین اهداف و منافعش در سیاست خارجی رهنمون کند. (آقایی و نورعلی وند، ۴: ۱۳۹۸). در دنیای پیچیده کنونی تدوین استراتژی ها و پیش بینی تحولات آینده از ضرورت هایی است که دولت ها برای تامین امنیت به آن نیازمند هستند. به کارگیری استراتژی مناسب و مطلوب در جهت کمک کردن تنش ها از جمله ضرورت هایی است که اهمیت فراوانی برای اثر گذاری و تعامل سازنده و موثر با کشورهای منطقه دارد. کشورهای منطقه خاورمیانه با توجه به شرایط داخلی و با توجه به ساختار نظام بین الملل با یک ناامنی فراگیر مواجه هستند. این گونه کشورها نمی توانند در بعد امنیتی از تاثیر نظام بین الملل بر سمت گیری ها و جهت گیری های خارجی خود چشم پوشی کنند. جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی خود با تهدیدات متعددی مواجه است که موجب شده امنیت ملی نظام به مخاطره افتد. گسترش سلاح های دسته جمعی، رشد تروریسم، افراط گرایی و بنیادگرایی، وجود اختلافات و منازعات درونی..... از جمله

تهدیداتی هستند که ناشی از محیط پیرامونی کشور است. (آذرشب و مومنی، ۱۳۸۰-۱۳۹۷، ۱۳۹۰). اصولاً سیاست خارجی کشورها تحت تاثیر متغیرهای مختلفی شکل می‌گیرد دو متغیر بسیار مهم تاثیر گذار بر سیاست خارجی کشورها مقدرات داخلی و محذورات محیطی می‌باشد. عبارتی کشورها زمان ترسیم راهبرد در حوزه سیاست خارجی باید هم به مقدرات داخلی و هم محذورات محیطی توجه کنند. به گونه‌ای که در نظر گرفتن این دو متغیر منجر به شکست سیاست خارجی می‌شود. ج.ا.ایران نیز در غرب آسیا برای ترسیم سیاست خارجی و راهبرد ملی در ابتدا نیاز به شناخت مساله سیاست گذاری دارد. در شناخت مساله، تهدیدات راهبردی نقش بارزی ایفا می‌کند. به عبارتی سیاست گذاری خارجی از تهدیدات راهبردی شروع و پاسخی به این تهدیدات می‌باشد. همان گونه که بیان گردید تهدیدات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در وضعیت پیچیدگی تنوع می‌باشد. کانون های تهدید و کارگزاران تهدید نیز متنوع هستند. در پاسخ به تهدیدات متنوع در محیط منطقه ای ایران، راهبرد ایران با توجه به مقدرات داخلی و محذوریت های محیطی متفاوت از تنوع راهبردی بهره می‌برد. (قاسمی و فرجی، ۱۳۹۰-۱۳۰). فضای پیرامونی خاورمیانه را می‌توان به نوعی ژئوپلیتیک تهدید در تضاد با ماهیت وجودی و بقاء جمهوری اسلامی ایران دانست. استراتژی ایران در مواجهه با این تهدیدات دارای خاصیت کنشگری فعال و استراتژیک است. که به صورت تدافعی، پویا و در اقدامات بازدارنده عمل می‌کند. (کدخدایی و عسکری، ۳۸: ۱۳۹۸). براین اساس سیاست دفاعی کشور، که از راهبرد امنیت ملی نشأت گرفته و هدف آن بالاتر بردن توان دفاعی کشور است و در این روند نقش اساسی می‌باید، سیاست دفاعی کشورمان مقابله با تهدیدات و رفع آسیب پذیری ها و ارتقا توان و بنیه دفاعی کشور در هر دو حوزه دفاعی نرم افزاری و سخت افزاری طراحی می‌شود. نگرش مبتنی بر این سیاست باید پویا بوده و همراه با تحول در نوع تهدیدات و مصادیق آنان، تغییراتی را نیز مدنظر قرار دهد. این راهبرد باید از توانایی پاسخگویی به تهدیدات کتنوع در یک زمان بهره مند باشد. در این حالت برای آنکه ساختار دفاعی کشور، توسعه یافته و مدیریت محیط امنیتی فراهم آید حداقل وجود دوگانه راهبرد دفاعی ضرورت پیدا می‌کند. گونه اول در قالب راهبرد دفاع پیشگیرانه و گونه دوم در قالب فعال عینیت می‌یابد. (خبرگزاری بصیرت، ۲۹/۲/۱۳۹۳). شهید سلیمانی دکترین امنیتی ایران را از حالت واکنش گرایی به حالت کنش گرایی فعال هدایت کرد. بنحوی که جهت گیری جدید دکترین امنیتی ج.ا.ایران از ویژگی هایی همانند پویایی استراتژیک و کنشگری فعالانه تبعیت می‌کند. با توجه به شرایط پیچیده و نامطلوبی که به لحاظ امنیتی در حوزه راهبردی و محیط پیرامونی کشور رخ داده است و مشخصاً خروجی این تحولات جدید مجموعه تهدیداتی هستند که بر امنیت زدایی و ژئوپلیتیک زدایی موقعیت راهبردی ج.ا.ایران در

منطقه است. با توجه به این شرایط ناپایدار، کانون و تمرکز راهبرد دفاعی-امنیتی کشور ایجاد ثبات و دفاع فراگیر است و این هدف با اقدامات فعال و کنشگرایانه سردار شهید سلیمانی تثبیت شد. شهید سلیمانی نقش محوری و تعیین کننده در راستای تامین امنیت و ثبات راهبردی کشور داشته است

نهادینه سازی و استحکام عمق استراتژیک کشور:

در عرصه روابط بین الملل، کشورها بر اساس ظرفیت های اعمال قدرت، به گسترش حوزه نفوذ و افزایش نقش در منطقه یا مناطق پیرامونی خود علاقمند هستند. از جمله حوزه های ژئوپلیتیک حساس پیرامون ایران شرق مدیترانه است. شرق مدیترانه یکی از نقاط راهبردی خاورمیانه محسوب می شود. نکته قابل توجه جمعیت شیعه مذهب در ترکیب جمعیتی سرزمین های این حوزه به عنوان منطقه پیرامونی هارتلند شیعه ایران و از حیث موقعیت ویژه ژئوپلیتیک، و همچنین حضور رژیم صهیونیستی، در اهداف بلند راهبردی ایران از جایگاه خاص برخوردار است. تحولات این منطقه عمدتاً متأثر ملاحظیات مذهبی است همین موضوع دارای تاثیر عمیق در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این حوزه است. که لزوم گسترش و حفظ نفوذ ایران و ایجاد قلمروهای ایدئولوژیک بر اساس علایق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را ضروری می کند. باید دقت داشت که مدیترانه نقطه آغازین حرکت محور مقاومت و پیشانی کمر بند شیعی محسوب می شود. و به جهت اهمیت آن بخشی از عمق استراتژیک ایران است. با توجه به اهداف سیاست خارجی و اهداف منطقه ای ج.ا.ایران، افزایش نفوذ منطقه ای بر پایه عوامل پیوند دهنده ژئوپلیتیک در جهت ایجاد حلقه های امنیتی ضروری است و ژئوپلیتیک قدرت های فرامنطقه ای در خاورمیانه به نفع این کشور به شمار می رود. در این زمینه مهم ترین الزامات فضایی ایران به منظور تدوین الگوی امنیتی مبتنی بر عوامل راهبردی عمق بخشیدن به عوامل فضا و نقاط راهبردی در حوزه های پیرامونی است.

به طور کلی قلمرو خواهی ایران در شرق مدیترانه باید مبنای ایدئولوژیک داشته باشد. تا تحرکات و ایفای نقش ایران در این حوزه جایگاه ایران را به عنوان محور ژئوپلیتیک شیعه ارتقا داده و به رفع تهدیدات منطقه ای و منجر به افزایش قدرت کشور بیانجامد. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاست عمق استراتژیک در ماورای مرزهای خود توانسته است علاوه بر تامین نیازهای امنیتی و راهبردی با استقرار شیعیان در بطن مناطق راهبردی همراه با توانمندی جغرافیایی اقتصادی «ژئواکونومیک» ارتقای جایگاه ایران و تبدیل آن به یک مولفه ژئوپلیتیک قدرتمند را سبب خواهد شد. (طاهرخانی، ۱۳۹۸/۱۰/۶). عمق استراتژیک عاملی مهم در ایجاد توازن قدرت در

منازعات بین کشورها بوده است. زیرا عمق استراتژیک و افزایش نفوذ منطقه ای رابطه تنگاتنگی با افزایش تفوق و توازن قدرت دارد. بر خوداری یک دولت از مولفه های تشکیل دهنده عمق استراتژیک، آسیب پذیری آنرا در مقابل هر گونه حمله و تهاجم نظامی کاهش می دهد. جدا از نقش عمق استراتژی سردار سلیمانی جغرافیایی در کاهش آسیب پذیری امنیتی، توازن قوا بیرونی و تقویت کننده عمق استراتژیک دفاعی_امنیتی کشور است. (باقری و دیگران، ۷۰-۷۱: ۱۴۰۰).

اگر بخواهیم نقش حاج قاسم در دفاع از جهان اسلام و کشور ایران چگونه است. باید عنوان کنیم نقش ایشان در ایجاد عمق استراتژیک از مسائل مهم امنیتی کشور است. و کشوری امنیت دارد که از عمق استراتژیکی بالایی برخوردار باشد. شهید سلیمانی صحنه جنگ و درگیری را با ۳۰۰ کیلومتر دورتر از مرزهای ایران برد. و در آنجا با دشمن مبارزه کرد. همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند اگر در سوریه با دشمن نمی‌جنگیدیم حال باید در خیابان های تهران، همدان، تبریز و سایر مراکز با دشمن مقابله می کردیم. استحکام و مسائل امنیتی یک کشور تنها بخشی از آن با موضوعات نظامی پیش می رود و قابل انجام است. و حاج قاسم در واقع جبهه اصلی را تشکیل دادند. حاج قاسم جبهه مقاومت را تشکیل داد و سازماندهی کرد. و به مباحث استراتژیک عمق بخشید. (خبرگزاری تنسیم، ۱۳۹۹/۱۰/۱۲).

-فراگیر سازی راهبرد مقاومت ضد نظام سلطه:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت هاس سلطه گر و روابط صلح آمیز با متقابل با دول غیر محارب استوار است. اشاره به لغت سلطه در قانون اساسی طبعاً با تاریخ نفوذ و دخالت بیگانگان دارد. بکارگیری لغت سلطه پذیری و حفظ استقلال همه جانبه انعکاس روحیه انقلابی است. ضمن آنکه هدف مبارزان مذهبی و غیرمذهبی ایرانی در طی یک قرن گذشته بوده است. دفاع از حقوق مسلمانان نشانگر روابط بین الملل اسلامی است که در واقع واحد سنجش منافع ملی، محدوده خاک ایران نیست. بلکه مجموعه دنیای جهان اسلام است. شک عمیق و تاریخی ایرانیان به قدرت های بزرگ در این تعبیر جاری است که منطبق با بنیان های اسلامی و مخالف اتحاد مسلمانان با کفار و ظالمین است. (طاهری و کریمی فرد، ۱۴۸: ۱۳۹۱). در نظام جهانی هژمونی، همزاد ضد هژمونی است. بعبارتی دیگر هژمون سازنده ضد هژمون است. بی تردید هاهیت محور مقاومت با نفی سلطه و مقابله با امپریالسم آمریکا و اسرائیل درهم آمیخته است. نفی نظام سلطه منعکس کننده ترزش ها و مبانی سیاسی مقاومت اسلامی است. و استمرار استکبار ستیزی را در جوهره مقاومت و اهداف آن نشان می دهد. محور

مقاومت معتقد است که در اسلام سلطه گری همچون سلطه پذیری مذموم و ممنوع است. بنابراین مبارزه با نظام سلطه بویژه مخالفت با سیاست های آمریکا بخش قابل توجهی از سیاست های محور مقاومت را نشان می دهد. گروه های عضو مقاومت ضمن رد نظام سلطه غربی و مقاومت در برابر اهداف زیاده خواهانه آن از هیچ تلاشی برای براندازی این نظام دریغ نمی کنند. در واقع با تشکیل محور مقاومت و شکل گیری طرح نوینی از اسلام سیاسی، سیاست سلطه جویی و به تبع آن جریان سلطه عملا با مانع بزرگی روبرو شده است. (محمودی رجا و دیگران، ۱۷: ۱۳۹۷).

آنچه مقاومت را در منطقه فراگیر ساخت اقدامات سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود که طرح های خصمانه آمریکا در منطقه را متوقف کرد. حاج قاسم سلیمانی ثابت کرد که نه تنها می توان نظام سلطه را در منطقه متوقف ساخت بلکه می توان آنرا به عقب راند. (صدرالحسنی، خبرگزاری مهر، ۱۴۰۰/۸/۲۵).

– راهبرد امنیت سازی منطقه ای :

نظریه امنیت منطقه ای یکی از مهم ترین دیدگاه های سردار سلیمانی است. بعد از فروپاشی شوروی کشورهای غربی با هدایت آمریکا برای تامین امنیت رژیم صهیونیستی، «بازمهندسی» منطقه غرب آسیا را در دستور کار قرار دادند. بر این اساس می بایست کشورهای منطقه دچار ناامنی شده، تضعیف شوند و متفرق باشند. وجود اختلافات مرزی میان کشورهای منطقه، رقابت های مذهبی بین دولت ها و ملت های شیعه و سنی، تعصبات قومی نظیر پان ترکیسم و پان عربیسم، نقش بازیگران مرتجع منطقه ای و وجود تروریسم از نقاط ضعف و گسل های غرب آسیا بود که می توانست هدف غرب را برای ایجاد ناامنی در منطقه محقق سازد. برای تضعیف امنیت غرب آسی، پروژه چندوجهی ایجاد گروه های تروریستی تکفیری مانند القاعده و داعش برای بازمهندسی منطقه شکل گرفت. و با کمک عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی دنبال شد. یکی از وجوه این پروژه، تغییر مرزهای جغرافیایی از طریق تجزیه کشورهای اسلامی بود. در این مسیر می بایست حاکمیت ملی کشورها تضعیف شده و تمامیت ارضی آنها خدشه دار گردد. از سوی نظریه پردازان غربی تجزیه عراق و سوریه و تقسیم این کشورها به سرزمین های کوچک تر در جهت تامین امنیت اسرائیل بود. و باید تدابیر غربی در این زمینه اتخاذ می شد. سردار سلیمانی بعنوان یک آینده پژوه، با شناخت سیاست های غرب و برای ممانعت از اجرای پروژه آن ها، به نظریه امنیت منطقه ای رسید. براساس این نظریه، امنیت کشورهای اسلامی غرب آسیا به هم پیوند خورده و امنیت در عراق را خدشه دار کرده و عدم امنیت در عراق بر امنیت ایران تاثیر می گذارد. سردار سلیمانی برای تامین امنیت در غرب آسیا و مقابله با ترندهای غرب به مدل مقاومت

رسید. و مبارزه با تروریسم و افراط گرایی را بر مبنای توسعه راهبرد مقاومت قرار داد. آنها به دنبال تفرقه در جبهه مبارزه با صهیونیسم بودند و سردار سلیمانی با متحد کردن این کشورها در قالب محور مقاومت آنها را باهم متحد کرد. معجزه حاج قاسم این بود که هفت ملیت را زیر چتر مقاومت در کنار هم قرار داد. سردار سلیمانی با نظریه امنیت منطقه ای هر کشور را نسبت به تامین امنیت ملی و همسایگان دوست خود حساس کرد. سردار سلیمانی با کمک نیروهای جان بر کف محور مقاومت، از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورهای منطقه دفاع کرد. و با تنگ کردن عرصه بر رژیم صهیونیستی و حامیان غربی و عربی او، امید را در دل مردم منطقه زنده کرد. و از سوی مقام معظم رهبری قهرمان امت اسلامی لقب گرفت. (پاک آئین، ۱۳۹۹/۱۰/۷، خبرگزاری تحلیلی ایران).

سردار سلیمانی توانست در فضایی پر آشوب که تروریسم گسترش می یافت توانست نقش موازنه ای را از طریق قدرت سازی، تحرک ژئوپلیتیک و ائتلاف سازی به عنوان سازوکارهای یک فرمانده برای تامین امنیت منطقه ای داشته باشد و از ساز و کار امنیت ساز استفاده کند. محیط امنیت منطقه ای در یکصد سال گذشته همواره با نشانه هایی از بحران، جنگ، تهدید و بی ثباتی در خاورمیانه بوده است. سردار سلیمانی در این دوران بود که وارد عرصه کنش امنیت منطقه ای شد اما مساله اینست که وقتی محیط منطقه ای در فضای بحران، تهدید و عدم امنیت قرار می گیرد چه بازیگری می تواند با نقش آفرینی خود کنترل و مدیریت امنیت را داشته باشد. اگر بازیگری وارد محیط آشوب زده نشود، به طور اجتناب ناپذیر شرایط برای بحران، آشوب، تروریسم و اعاده نشانه های تهدید دائمی فراهم می شود. اینجاست که ایران نقش مسئولانه خود را در ارتباط با امنیت منطقه ای ایفا کرد.

ایران کوشید زمینه هایی ایجاد شود تا بر اساس آن نشانه هایی از همکاری های متقابل در فضای امنیت منطقه ای شکل بگیرد. کارکرد سردار سلیمانی را هم می توانیم در ارتباط با نقش ایشان برای امنیت سازی منطقه ای مورد توجه قرار بدهیم. نخستین نقش سردار سلیمانی اینبار رویکرد مدیریت بحران از طریق مقابله مستقیم با بازیگران آشوب ساز در راستای گسترش ثبات، موازنه و امنیت منطقه ای بود. سردار سلیمانی در شرایطی داعش و بازیگران بحران ساز و آشوب ساز امنیت منطقه را از بین بردند. از ساز و کار انفعالی استفاده نکرد. الگویی که سردار درپیش گرفت، معطوف به قدرت سازی و نهراسیدن از قدرت تهدید کننده. بازیگران رقیب و در نهایت ائتلاف سازی بود که برای کشور امنیت ساز بود. کار سردار سلیمانی ایجاد موازنه امنیت بوده، موازنه نرم افزاری برای ایجاد تعادل در محیط منطقه ای سردار سلیمانی سه ضرورت امنیت ملی ایران، و منطقه را در دستور کار قرار داده بود. گام اول معطوف به قدرت سازی، گام دوم در راستای کنش با تهدید بود. گام سوم را می توان ائتلاف سازی سردار دانست. الگوی سردار سلیمانی

در فضای منطقه بحران زده خاورمیانه مقابله با آشوب، ناامنی و بازیگران آشوب زده بوده است. امنیت منطقه ای عموماً تحت تاثیر شکل خاصی از موازنه قدرت به وجود می آید. وقتی این موازنه از میان برود نشانه هایی از ناامنی شکل می گیرد. (ابراهیم متقی، خبرگزاری ایسنا، ۱۴/۱۰/۱۳۹۹). در واقع در تفکر راهبردی شهید سلیمانی امنیت ملی مساوی و همسو با امنیت منطقه ای تعریف شده است. این راهبرد با هدف ارتقا، استحکام و حداکثری ضریب امنیت ملی کشور در یک چهارچوب پایدار و گسترده عمل می کند و قبل از اینکه تهدیدات به کشور برسند در همان نقاط پیرامونی و کانون شکل گیری تهدید، مدیریت و کنترل می شوند.

- تثبیت وضعیت بازدارندگی:

بهم پیوسته شدن مسائل نوظهور ژئوپلیتیکی و امنیتی جدید در منطقه چالش ها و فرصت های جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است. دفع چالش های امنیتی جدید و بهره گیری از فرصت های فراهم شده نیازمند درجه ای از حضور موثر ج.ا.ایران در مسائل سیاسی و امنیتی است. حضور بحران ها جنگ ها، تنش ها، در منطقه برای ج.ا.ایران پرهزینه و منبع بی ثباتی بوده است. نگاه ج.ا.ایران با افزایش حضور بیشتر در چهارچوب سیاست تدافعی و با هدف بهره گیری از فرصت ها و در جهت پیشگیری از چالش ها و تهدیدات جدید امنیتی در حال ظهور است. در این سیاست دفاع فعال با هدف حفظ منافع و امنیت ملی از راه حضور موثر در منطقه پیگیری می شود. از نگاه نخبگان سیاسی_امنیتی ج.ا.ایران حضور منطقه ای ای کشور در قالب دفع مشکلات منطقه ای و برای امنیت نسبی ضروری است. اکنون بروز تهدیدات جدید برای امنیت ملی کشور، ظهور داعش، ائتلاف، عربستان سعودی و اسرائیل و خروج آمریکا از برجام، باعث شده است. تا استراتژی سیاست خارجی ج.ا.ایران به سمت بازدارندگی غلبه کند. بطور کلی استراتژی ج.ا.ایران از ایجاد و حفظ بازدارندگی برای ضرورت مقابله با تهدیدات و امنیت پایدار است. ج.ا.ایران همواره در سیاست خارجی خود با تهدیدات استراتژیکی روبرو می باشد. که با نوعی ناشی از متغیرهای پایدار سیستمی اعم از سیستم داخلی، منطقه و جهانی است. که قدرت بازدارندگی آن عوامل اصلی رویارویی با تهدیدات و تبدیل آن به فرصت می باشد. بازدارندگی به مثابه مفهومی راهبردی هزینه هایی بسیار کمتر از دفاع دربر دارد. که مشوق اصلی سیاست خارجی ج.ا.ایران در اتخاذ آن است. سیاست خارجی ج.ا.ایران با اهداف والا طراحی شده است. که با ارزش بازدارندگی در عرصه سیاست خارجی امنیت و منافع ملی تحقق می یابد. ج.ا.ایران برای ارتقا بازدارندگی خود نیازمند افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی خواهد بود. اصلی ترین هدف بازدارندگی جلوگیری از ایجاد جنگ است. به همین دلیل بازدارندگی نقش بسیار مهمی در دکترین امنیتی ج.ا.ایران

دارد. (عسکری و کدخدایی، ۵۴: ۱۳۹۸).

در حوزه نظامی-امنیتی ایران از استراتژی بازدارندگی برای خنثی سازی تهدیدات موجود در محیط پیرامونی خود بهره می برد. البته اجرای این راهبرد با توجه به نوع تهدیدات و کارگزاران تهدیدات متفاوت می باشد. الف: بازدارندگی مثلی: ایران در برابر تهدیدات ناشی از ناحیه هژمون از بازدارندگی مثلی بهره می برد. که به معنای تهدید متحدان هژمون است. ب: بازدارندگی دوجانبه و متقابل: بازدارندگی متقابل در مقابله با رقبا قابلیت استفاده کرد. ایران با این بازدارندگی سعی به اقناع رقبا دارد. پ: بازدارندگی یکجانبه: ایران در برابر رژیم صهیونیستی به طور کلی دشمنان استراتژیک خود و همچنین بازیگران فروملی مثل داعش از استراتژی یکجانبه بهره می برد که خود شامل دفاع پیشگیرانه نیز می شود. ت: با دارندگی شبکه ای با توجه به پیچیدگی حاکم بر منطقه غرب آسیا یک ضرورت استراتژیک است. (قاسمی و فرجی، ۱۳۳: ۱۳۹).

نخست مفهوم بازدارندگی است که در رویکرد ایشان «سردار شهید حاج قاسم سلیمانی» مساوی با افزایش قدرت ملی به منظور بقاء و امنیت کشور است. از نظر ایشان سردار ملی با نگاره عمل گرایانه و استراتژیک دشمن اصلی ج.ا.ایران در مرزهای شرقی و غربی یعنی گروه طالبان و رژیم بعث عراق را به چالش کشید. و بعد از سقوط این دو رژیم بارویکرد ملی، حکومت های این د. کشور را به حکومت های دوست تبدیل کرد. در ادبیات نظامی و استراتژیک سردار سلیمانی این فرمانده نظامی معتقد بود مرزهای ملی کشور خط قرمز امنیت ملی هستند. و اینکه نزدیکی گروه های افراطی و نفوذ رقبای خارجی به مرزهای ملی ایران با واکنش جدی و فوری مواجه می شود. مولفه ی دیگر هویت جنگ نامتقارن توسط سردار با بسیج نیروهای محلی و گروه های دوست ایران در سوریه و عراق بود. که وظیفه مبارزه با تروریسم تکفیری را برعهده داشتند. و آنرا شکست دادند. این نوع جنگ در ادبیات روابط بین الملل با جنگ پیش دستانه همخوانی دارد. یعنی با اندکی هزینه و زمان و بدون درگیری مستقیم نظامی هدایت جنگ به نفع ژئوپلیتیک کشور پیش رفت. سردار تعادل بین منابع موجود اندک کشور با محدودیت های استراتژیک ایران در منطقه را در مواجهه با رقبا بوجود آورد. از این طرف او مفهومی جدید از جنگ را وارد ادبیات استراتژیک دفاعی کشور کرد. در ضمن ایشان توانست یک استراتژی را دنبال کند که با هزینه اندکی و محدودیت های راهبردی سیاستی را طراحی کند که حتی آمریکا را پس بزند. نگاه سردار سلیمانی ایجاد و تقویا محور مقاومت با هدف حفظ ایران بود. از این رو ایشان یک فرمانده ملی است. که به مرزهای قدرت و بازدارندگی اعتقاد داشت. روحیه عمل گرایی ایشان در قالب وفاداری به جمهوری اسلامی بسیار بالا بود. (برزگر، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۶/۱۰/۱۳۹۹).

راهبرد موازنه سازی منطقه ای بر اساس الگوی محور مقاومت:

یک دیدگاه در میان نخبگاه حوزه سیاست گذاری و گاه روشنفکری ایرانی این است که راه حفظ امنیت پایدار از طریق پیشگیری از تهدید و تقویت جایگاه دولت های دوست با هدف پر کردن خلایق امنیتی حاصل از وضعیت جنگ و بحران در منطقه یه به عبارتی گسترش حوزه اثربخشی بویژه در محیط پیرامونی است. همانند همه کشورها ج.ا.ایران یک کشور خاص است که بر مبنای ویژگی های دولت و ساختار حکومت خود، تقاضاهای تاریخی ملت، برداشت نخبگان حاکم از دفع تهدیدات و راه های تامین منافع و امنیت ملی، موقعیت جغرافیایی و در نهایت نگاه و برداشت دیگران به خود، رویکرد خاص توسعه و راهبرد سیاست خارجی را در محیط ژئوپلیتیک خود تنظیم می کند. جبر جغرافیایی، یعنی قرار گرفتن در مرکز زیر سیستم های منطقه ای و انرژی بین المللی که توجه نظم بین الملل را در هر شرایطی به ایران جلب می کند. همراه با جبر تاریخی-اجتماعی، یعنی فارس بودن و شیعه بودن در یک محیط سنی متفاوت، ضمن فراهم کردن فرصت ها نقش سازی در محیط ژئوپلیتیک، همزمان محدودیت های استراتژیکی را هم به لحاظ تلاش همه جانبه سایر بازیگران برای مهار نقش و قدرت منطقه ای ایران برای حفظ توازن قوای منطقه را فراهم می کند. ایت ویژگی به ایران این ظرفیت و توان کامل را نمی دهد که استراتژی خود را بر مبنای یک عومیت تنظیم کند. براین مینا و به منظور سازگاری با تحولات جدید در محیط ژئوپلیتیک محلی، منطقه ای، سیاست خارجی خود را بر مبنای دو اصل ثابت همکاری بیشتر منطقه ای و بازدارندگی تهدید از منطقه به نوعی به تعادل برساند. همین امر، ایران را به سمت قوی شدن از درون سوق می دهد. (برزگر، ۱۸۵-۱۸۷: ۱۳۹۷).

شهید سلیمانی تلاش داشت موازنه منطقه ای را بر اساس موازنه مقاومت شکل بدهد، الگوی مقاومت و جبهه مقاومت منطقه را از آنارشی خارج کرد. بحران در منطقه زمانی افزایش پیدا می کند که قدرت ایران کاهش پیدا کند. متعاقبا اگر قدرت ایران افزایش پیدا کند موازنه ایجاد می شود. اما اگر قدرت ایران کاهش یابد شرایطی شکل می گیرد که در صورت ایجاد عدم موازنه قوا، الگوی تهاجمی قدرت های بزرگ و بازیگران منطقه ای علیه ج.ا.ایران را افزایش می دهد. (هادیان، دنیای اقتصاد، ۱۶/۱۰/۱۳۹۹). در طی ادوار گذشته هر زمان ایران در ضعف قرار داشته است امکان کسب منافع ملی و ارتقا ضریب امنیت ملی کشور با چالش های بسیار زیادی مواجه شده است. در محیط ناامن و پر آشوب منطقه غرب آسیا بهترین گزینه ممکن برای ج.ا.ایران ایجاد و حفظ موازنه قدرت در مقابله با سایر بازیگران بوده است. شهید سلیمانی با آگاهی و اشراف کامل نسبت به محدودیت ها و چالش های محیطی که توسط بازیگران محلی، منطقه ای و فرمانطقه

ای در جهت تهدیدزایی و ژئوپلیتیک زدایی از امنیت و منافع ملی ج.ا.ایران سازماندهی شده اند. تلاش کرد در قالب دولت واقع گرایی راهبرد موازنه قدرت را نسبت به اهداف و اقدامات بازیگران متخاصم طراحی و عملیاتی کند. این هدف مهم و راهبردی با استفاده از ظرفیت ها و توانایی گروه های وابسته به محور مقاومت در قالب الگوی موازنه ی منطقه ای پیگیری می شود. با توجه به اختلافات گسترده ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بازیگران منطقه ای با ج.ا.ایران و اینکه هیچکدام از این کشورهای همسایه متحد راهبردی ایران نیستند. ائتلاف سازی با گروه های همسو «محور مقاومت» در سطح منطقه در راستای ایجاد توازن قدرت با این بازیگران غیرهمسو اقدامی ضروری و در راستای تامین امنیت راهبردی کشور است.

- تقویت دیپلماسی دفاعی و اقتدارآمیز در محیط منطقه ای:

دیپلماسی دفاعی یکی از ابزارهایی است که می تواند به مناسبات کشورها چهارچوب و نظم ببخشد و هدایت و راهبرد آن در مسیری هماهنگ قرار بگیرد. در این میان شکل مناسبات هر کشور در هر حوزه ای توسط نهادهای مدنی مسئول آن هدایت می شود. در این راستا حوزه مناسبات دفاعی و امنیتی از جمله حوزه هایی است که زیر عنوان «دیپلماسی» دفاعی شکل گرفته است.

دیپلماسی دفاعی بهره گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفتگو، تعامل، و مجموعه ابزارهای غیر قهری برای پیشبرد اهداف و کارویژه های دفاعی است که در آن حداکثر بهره گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف های دفاعی و در نهایت هدف های عالی مدنظر قرار میگیرد. در واقع دیپلماسی دفاعی، بخشی از قدرت ملی است. که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی (دو جانبه یا چندجانبه) را تشکیل می دهد. هم چنین بهره گیری از ظرفیت های موجود در سیاست خارجی نیز می تواند راهگشا باشد. دیپلماسی فعال در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای توان بازدارندگی را افزایش خواهد داد. از طریق بهره گیری از دیپلماسی فعال می توان بسیاری از تهدیدات را علیه خود کاهش دهد. در چنین چهارچوبی جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک بازیگر فعال منطقه ای در حوزه غرب آسیا باید تلاش نماید تا در روندهای منطقه ای بصورت فعالانه شرکت کند.

محیط منطقه ای ج.ا.ایران یک محیط پرتنش است که در آن ایران باید تلاش نماید علاوه بر تقویت قدرت دفاعی با بهره گیری از ظرفیت های موجود در دیپلماسی دفاعی و بهره گیری از ظرفیت های موجود در دیپلماسی و سیاست خارجی محیط مذکور را برای پیگیری اهداف راهبردی خود مطلوب نماید. (صالحی و فرح بخش، ۵۹-۶۰: ۱۳۹۶). اینکه یک نظامی در افکار

عمومی و نهادهای داخلی و نیز در گستره ای به وسعت ۷ میلیون کیلومتر مربع و ۴۰۰ میلیون جمعیت نفوذ داشته باشد. بسیار جالب توجه است. نکته راهبردی تر اینکه شهید سلیمانی نزدیک به سه دهه یکی از اصلیتین چهره هایی است که در منطقه موفق به ملت سازی و دولت سازی شده است. رهبر انقلاب اسلامی در بخشی از ارتباط تصویری با مراسم تکریم و تجلیل دفاع مقدس، شهید سلیمانی بود که در عرصه منطقه و دیپلماسی اقدامات شگفت آوری انجام می داد و هنوز ملت ایران از گستره فعالیت های این شهید عزیز اطلاع کافی ندارند. نفوذ سیاسی و قدرت دیپلماسی شهید سلیمانی به گونه ای بوده که بخشی از مسئولین ارشد کشورهای منطقه تحت تاثیر ایشان بودند.

نوام چامسکی در کتاب «دخالت‌ها» معتقد است که کنترل ایران بر هلال شیعی وحشتناک ترین کابوس برای آمریکا است. تحولات دو دهه اخیر منطقه که متأثر از حضور و نفوذ مستقیم شهید سلیمانی بود. این کابوس را در بدترین شکل خود برای آمریکا پدید آورد. محصل این کابوس یعنی تغییر توازن قدرت منطقه ای به نفع ایران، مهمترین رهاورد شهید سلیمان بود. این تغییر توازن دو نتیجه را برای ایران در عرصه بین المللی به همراه داشت. نخست توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و به دنبال آن ایجاد توازن بازدارندگی بعنوان یک شاخص مهم در الگوی ساختاری روابط بین الملل این الگو مرز تهدیدات ایران را تا عمق راهبردی کشورهای متخاصم عقب راند. جمهوری اسلامی بعنوان یکی از بازیگران کلیدی در پهنه جغرافیای سیاسی غرب آسیا، به واسطه نیروها و عوامل ژئوپلیتیکی خود، از جمله ورود به تحولات منطقه ای توانست نقش بسزایی در ایجاد نظم منطقه ای ایفا کند. سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از مولفه های اصلی دکتترین سیاست خارجی ایران در منطقه بود. که سعی در تبیین جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا را داشت. شهید سلیمانی به اذعان رسانه های خارجی یک «دیپلمات-نظامی» پرنفوذ در غرب آسیا بود. (امیری و کیانی، ۱۸-۲۲: ۱۳۹۸).

- تقویت استراتژی حفظ امکان ضربه دوم در مقابل با تهدیدات راهبردی:

دبیر شورای امنیت ملی در کنفرانس امنیتی تهران اظهار داشت، هیچیک از کشورهای همسایه و منطقه ی غرب آسیا به غیر از رژیم صهیونیستی در حوزه تهدیدات جمهوری اسلامی ایران دسته بندی نمی شوند. وی افزود بحران های ساختگی موجود تابعی از اهداف و سیاست قدرت های فرامنطقه ای به منظور سرپوش گذاشتن بر بحران اصلی، تخلیه و انحراف ظرفیت های مقابله با رژیم صهیونیستی با شکل دهی مسابقه تسلیحاتی و خونین کردن مرزهای جهان اسلام است.

وی تلاش برای ایجاد موازنه منطقه ای از طریق ارتقا همبستگی متقابل، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی را راهکاری در دسترس برای تقرب به موقعیت های کم تنش عنوان کرد و افزود. دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر پایه توان نرم صورتبندی گردیده و در بخش دفاعی با تمرکز بر استراتژی ضربه دوم به دنبال بازدارندگی متعارف است. دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران، اصولاً دمترنی دفاعی و بر مبنای بازدارندگی متعارف غیر متقارن و با تمکز بر استراتژی ضربه دوم، سازماندهی داده شده است.

دکترین تهاجمی انطباقی، به طور کلی و اصولی، هیچ سنخیت و تناسبی با دکترین دفاعی بازدارندگی متعارف ندارد. رهبر معظم انقلاب با بیا اینکه ما در مقابل تهدید، تهدید می کنیم عملاً نوع رفتار ایران را منوط به رفتار طرف مقابل کرده اند. که این آشکارا نشان از غلبه رویکرد تدافعی در تفکر راهبردی ایشان است. چنین رویه ای را نیز می توان استراتژی «ضربه ی متعارف دوم قلمداد نمود که کاملاً بر ابعاد دفاعی و پاسخگویی بر تهدیدات استوار است. (کدخدایی و عسکری، ۶۴: ۱۳۹۸). بخش مهمی از از توان تهاجمی کشور در گستره وسیع سرزمینی ایران به کمک تکنیک های پدافند غیرعامل پنهان سازی و استتار شده اند. این امر اساس با هدف جذب ضربه اول و حداکثرسازی حفظ توان تهاجم برای ضربه ی دوم طراحی شده است. دکترین دفاعی ج.ا.ایران بخش مهمی از توان بازدارندگی خود را به اجرا گذاردن عملیات هیبریدی و عمق استراتژیک خود کسب می کند. در واقع گستره جغرافیایی وسیع اجرای عملیات هیبریدی که در قالب به اصطلاح محور مقاومت صورت می گیرد. انعطاف پذیری و قدرت انتخاب طرح ریزان عملیاتی فرماندهان ایران را بشدت بالا می برد. (دیوسالار، ۲۵/۹/۱۴۰۰، دنیای اقتصاد).

منطق امنیت در کانتکست ژئوپلیتیک، به یک کشور با موقعیت حساس ژئواستراتژیک دیکته می کند. که میان حوزه اقتدار ملی با پتانسیل اهدیدات ممکن و متصور، تعادل ایجاد کند. ترک مرزهای امنیت ملی در افق تاثیر پذیری ژئواستراتژیک به معنای پذیرش تهدید قطعی است. اگر منطق برتری موقعیت ژئوپلیتیک ایران را نسبت به مناطق پیرامون خود و زیرسیستم تابع امنیتی متصل به آن را بپذیریم، ضرورت حفظ تعادل امنیتی را نیز لاجرم باید بپذیریم. کشوری در مرتبه جمهوری اسلامی ایران، نمی تواند از ضروریات ایجاد معادله امنیتی در محیط راهبردی خود و پیرامون، به تناسب سطح متوسط تهدیدات ممکن، صرف نظر کند. دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران، اصولاً دکترین دفاعی، و بر مبنای بازدارندگی متعارف غیر متقارن، و با تمرکز بر «استراتژی ضربه دوم» سازمان داده شده است.

حضور ج.ا.ایران در اقصی افق امنیتی منطقه و تعامل سیاسی، امنیتی، دفاعی و برای برقرای حد معینی از موازنه قدرت و امنیت به تناسب سطح متوسط طیف تهدیدات علیه منطقه و

ایران، لازمه ثبات سازی و برقراری موازنه امنیتی است. (اکبری، ۱۳۹۵/۷/۲۴: دیپلماسی ایرانی). از منظر رویکردهای نظامی و امنیتی کشورهایی که از پشتوانه قدرت دفاعی لازم برای مقابله با بازیگران متخاصم برخوردار نیستند همواره گزینه خوبی برای مورد حمله قرار گرفتن هستند به این دلیل که اگر کشوری نتواند بعد از ضربه اول که در جریان حمله نظامی دریافت می کند توان اقدام ضربه متقابل با «ضربه دوم را داشته باشد»، نمی تواند دیگر بازیگران متخاصم را از حمله به کشورش باز دارد. بعبارتی دقیق امکان بازداشتن دشمن یا بازدارندگی از مورد حمله قرار گرفتن را از دست می دهد. نخبگان سیاسی و امنیتی ج.ا.ایران با آگاهی از اهمیت حفظ توان ضربه ی دوم استراتژی دفاعی کشور را بر این اساس طراحی و عملیاتی کرده اند. راهبرد حفظ امکان وارد آوردن قطعی ضربه ی دوم در صورت مورد هجوم قرار گرفتن یکی از ویژگی های نوین دکترین دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران است. که نشان از شکل گیری الگوی کنش محور، دفاع فعال و عقلانیت راهبردی در منظومه ی فکری تصمیم گیران و تصمیم سازان حوزه دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران دارد.

-شکل گیری لایه های چندگانه دفاعی-امنیتی:

دغدغه های کلان امنیتی نشأت گرفته از تصور تهدیدات برون مرزی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران را به نقش آفرینی برون مرزی ناگزیر ساخته است. با توجه به اینکه طرح ریزی سیاست های غرب آسیا در سطح راهبردی و و فراجناحی صورت می گیرد. لذا ایران مطابق تهدیدات موجود یک استراتژی کاملاً هدفمند و عملیاتی تحت عنوان راهبرد بازدارندگی برون مرزی با ابتکار دفاع چهار لایه ای را تدوین و عملیاتی ساخته است. از راهبرد از یک ضرورت ویژه نشأت می گیرد. به تعبیری برگرفته از گریزناپذیری اتخاذ یک ساز و کار مستحکم و پایدار به منظور خنثی ساختن تصور تهدید ناشی از گستره غرب کشور است. مضافاً اینکه این راهبرد مبتنی بر عدم همسایگی با دشمن است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می دارند که عزم ملی روابط خارجی و مرزبندی با راهبرد بازدارندگی برون مرزی چهارلایه ای از مرزهای سرزمینی یا مرزهایی جغرافیایی ایران شروع شده و تا کرانه های دریای مدیترانه و تنگه باب المندب امتداد می یابد. لایه اول دفاعی این استراتژی از مرزهای جغرافیایی و رسمی ایران آغاز شده شامل بخش هایی از خاک عراق می شود. به لحاظ اولویت بخشی این لایه مهم ترین و حیاتی ترین بخش راهبرد دفاعی برون مرزی است. کانون توجه استراتژیست های ایران نیز عمدتاً بر این بخش متمرکز است. لایه و حفاظ دوم از بخش های غربی بغداد شروع شده و با حضور از بخش هایی سنی نشین عراق وارد سوریه شده و تا بلندی های جولان را پوشش می دهد. اهمیت این

لایه اگر چه از از لایه اول بیشتر نباشد بدون تردید کمتر نیست. چرا که سرزمین سوریه حلقه واصل لایه اول با لایه سوم است.

چنانچه دچار فروپاشی شود لایه سوم نیز در معرض خطر وجودی قرار می گیرد. و عملاً ایران راهبرد برون مرزی خود را با یک لایه فعال می کند. آنچیزی که این لایه را تقویت می کند. ملاحظات ژئوپلیتیکی مشترک سوریه و عراق نسبت به وجود تهدید و دشمن مشترک و نگرانی از محاصره شدن توسط رژیم های مخالف است. در واقع ائتلاف مخالفان آن ها از جمله رژیم صهیونیستی، آمریکا، عربستان و امارات اتحاد ایمن دو کشور را تقویت کرده است. لایه دفاعی سوم: نیز بلندی های جولان و سرزمین لبنان را در بر می گیرد. این یک اهرم بازدارنده در برابر تهدید رژیم صهیونیستی مبتنی بر این ایده است که بهترین دفاع در اختیار داشتن قابلیت حمله خوب است. مقصود از حمله خوب در اختیار داشتن یک سنگر بازدارنده مستحکم و رزمندگان بدون مرز در کنار مرزهای رژیم صهیونیستی است.

واقعیت این است که تا قبل از وقوع بحران در حلقه دفاعی دوم، ارتباط ایران با حوزه مدیترانه با سهولت و هزینه به مراتب کمتر صورت می گرفت. و آزادی عمل بیشتری جهت نقش آفرینی در مسائل شرق مدیترانه داشت. منتها بحران سوریه حتی حلقه سوم را تهدید می کند. زیرا از بین رفتن نفوذ ایران در حلقه دوم، بدون تردید پایداری نفوذ ایران در حلقه سوم یا مناطق واقع در شرق مدیترانه و چانه زنی در مسائل لبنان را نیز با تردید جدی مواجه خواهد ساخت. و نهایتاً با از دست رفتن لایه های بازدارنده دفاعی ایران در سوریه و لبنان، دشمنان و رقبای منطقه ای و فرمانطقه ای قادر خواهند بود. به تدریج مرزهای ایران نزدیک می شود؛ هر چند اولویت اول نگهداشت و حفظ امنیت در سنگر اول است. منتها به صورت همزمان تقابل با گروه های تکفیری در لایه دفاعی دوم و تقویت بازوی بازدارندگی در برابر اسرائیل در سنگر سوم انجام می شود. لایه بازدارنده چهارم در یمن تعریف شده و این لایه نیز دقیقاً در حیاط خلوت یکی از رقبای منطقه ای یعنی عربستان دایر شده است. چنین لایه ی هشدار بازدارنده برای عربستان سعودی و متحدان این کشور است. که از بحران افرینی در مرزهای ایران خودداری کنند، با توجه به اهمیت تنگه باب المندب، خلیج عدن و دریای سرخ در تجارت دریایی ایران قطعاً حفظ آن برای ایران نیز حیاتی است. (فتحی و دیگران، ۲۷۴-۲۷۷؛ ۱۳۹۹).

-تعریف راهبرد جامع دفاعی-امنیتی در مقابل تهدیدات پیچیده تروریسم داعش:
هر کشوری یا نظام سیاسی جغرافیای امنیتی خاص خود را دارد. که کانون های تهدید و نوع

بی ثباتی ها در آن شناسایی می شوند. این محیط عرصه اقدام پایدار سازی امنیت است. هرگونه تغییر واقعی یا تصویری در این عرصه اقدامات و برنامه های پایدارسازی امنیت را متاثر می سازد. در جهان کنونی تمام عرصه ها و محیط های داخلی، ملی، فراملی و منطقه ای و بین المللی یکدیگر را فرا می گیرند. از این رو علاوه بر ویژگی ها و مختصات هر عرصه و تهدیدات عام و خاص علیه ج.ا.ایران در آن عرصه ها، اتخاذ راهبردهای هماهنگ و بهم پیوسته تهدیدزدا و امنیت زا برای تحقق سیاست های امنیت پایدار لازم است. ضرورت این هماهنگی و پیوستگی از این باب است که برخی تهدیدات و اشکال ناپایداری به دلیل ماهیت گسترده ممکن است. که در دو یا چند عرصه ظاهر می شود. برای مهار آن ها نتوان در یک عرصه اقدام کرد. (قیصری، ۵۵-۵۶: ۱۳۹۲). داعش از جمله گروههای تروریستی است که ابزار ترور را به عنوان اصلیتزین ابزار خشونت خود مورد استفاده قرار می دهد. در اندیشه داعش نوعی ایدئولوژی تکفیری است که از سلفیت تکفیری گرفته شده است. تهدیدات داعش را می توان دودسته کلی تقسیم بندی کرد.:

- ۱- **دسته اول**، تهدیدهای فرامنطقه ای هستند که داعش به طور کلی ایجاد خواهد کرد و می تواند به طور غیرمستقیم بر امنیت ایران نیز تاثیر گذار باشد.
- ۲- **دسته دوم**، تهدیدهایی هستند که داعش می تواند بالقوه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم وارد سازد. (قنبری، ۱۳۹۸: ۱۷۳).

شهید سلیمانی در نظام ج.ا.ایران به واقع نماد بارز و کامل امنیت نظامی و دفاعی است. حضور مقتدرانه، متفکرانه و جسورانه این شهید در معادلات دفاعی منطقه، بسیاری از طرح های ضد امنیتی دشمنان ج.ا.ایران را در نطفه خفه کرد. مدیریت شکست داعش، شکست طرح های آمریکا در منطقه، حفظ سوریه بعنوان خط مقدم جبهه مقاومت و تبدیل جریان های مردمی و اسلامی در عراق به یک نیروی فعال در معادلات عراق از شاه کارهای امنیتی شهید سلیمانی است. (غلامی، ۴۰: ۱۳۹۹).

هنگامی که گروهک تروریستی داعش همچون یک هیولا با گام های بسیار سنگین و گسترده در سوریه، عراق و بخش هایی از لبنان ظهور کرد. شکل گیری و گسترش ناگهانی این پدیده، فضای یاس، افسردگی، و نومییدی را در کل منطقه به ویژه در کشورهایی که داعش در آن فعال بود ایجاد کرد. در برهه ای حتی برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی این را نشر می دادند. که داغش پدیده ای طبیعی است اما سردار سلیمانی چنین تفکری را نداشت. در سپاه قدس به فرماندهی سردار سلیمانی و منویات رهبری عزیز، یک اراده ملی شکل گرفته بود. که باید با استفاده از همه ی ابزارها، اعم از نظامی و غیرنظامی از پایگیری و گسترش این پدیده در فضای منطقه جلوگیری

شود. و در ادامه آنرا نابود کرد. چنین تلقی موجب شکل‌گیری حمایت عمومی از فعالیت‌های میدانی علیه داعش شد. اما آنچه در میدان در عراق و سوریه زمینه نابودی قطعی داعش را فراهم کرد. حضور میدانی ج.ا.ایران بود. این حضور بر عهده سردار حاج قاسم سلیمانی بعنوان نماد ج.ا.ایران گذاشته شد. او با حمایت ساختارهای سازمان‌های درون ج.ا.ایران توانست به این پیروزی دست یابد. (موسوی، ۹۳: ۱۳۹۸).

یکی از پدیده‌هایی که بشدت بعنوان یک تهدید پیچیده و چند لایه شناخته می‌شود، گروه تروریستی داعش است. که با ایدئولوژی سلفی-تکفیری ضد شیعه و ضد ایرانی توانست با عضوگیری سریع و گسترده مناطق زیادی از سوریه و عراق را تصرف کند. مجموعه رفتار این گروه تروریستی با خشونت حداکثری و رفتارهای ضد انسانی که بشر تاکنون به چشم خود ندیده است. محیط پیرامونی ج.ا.ایران همواره مستعد رشد گروه‌های تروریستی بوده است. که هدف اولیه آنها ضدیت با ایران و شیعیان است. در چنین شرایطی می‌بایست یک راهبرد متناسب با حجم و شدت تهدید طراحی و عملیاتی بشود. شهید سلیمانی با کنترل و دفع تروریسم داعش در کانون‌های رشد و نمو این جریان اجازه نداد همبستگی و وحدت بیشتری بین تروریست‌ها بوجود بیاید و در مرحله دوم از تسری گروه تروریسم داعش به مرزهای اصلی و فیزیکی ج.ا.ایران جلوگیری به عمل آورد.

قدر مسلم اگر در مقابل با جریان تروریسم داعش انفعال یا برخورد ضعیف صورت می‌گرفت. گروه‌های وابسته به این جریان فرصت همبستگی پیدا می‌کردند و بر کل منطقه غربی ایران یعنی عراق و سوریه مسلط می‌شدند. ج.ا.ایران با شرایط بسیار پیچیده تر و به مراتب سخت‌تری مواجه می‌شود و حوزه درگیری به مرزهای فوری کشور و حتی درون کشور کشیده می‌شود. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی با تشکیل گروه‌های مقاومت تحت عنوان ارتش‌های چند ملیتی از کشورهای مختلف از تبدیل شدن جنگ داعش با ایران جلوگیری کرد. و مجموعه‌ای از گروه‌های مقاومت از کشورهای مختلف را در مقابل این جریان ترویستی به صحنه مبارزه آورد. با قرار دادن میدان مبارزه با تروریسم داعش در حلقه‌های غیرفوری امنیتی ایران تهدید را از حلقه فوری امنیتی ایران دور کرد. شکست تهدید جریان تروریستی تکفیری داعش مرهون اقدامات هوشمندانه و مجاهدانه شهید سلیمانی است. هم‌اکنون بعد از شهادت سردار سلیمانی نیروهای امنیتی ج.ا.ایران بخصوص شاخه سپاه قدس پاسداران انقلاب اسلامی بر اساس راهبردها و شیوه‌های عملیاتی شهید سلیمانی در مبارزه با تهدیدات پیچیده منطقه‌ای بطور خاص پدیده تروریسم نوین بعنوان اصلی‌ترین تهدید در منطقه اقدام می‌کند.

– ائتلاف و شکل‌گیری وحدت بین شیعیان منطقه با محوریت ج.ا.ایران:

در حوادث منتهی به بیداری اسلامی و ظهور تکفیریون داعش، النصره، در عراق و سوریه و حتی افغانستان و ایفای نقش سازنده جمهوری اسلامی ایران در زوال نسبی این جریان‌های تروریستی- تکفیری، ماهیت ائتلاف میان شیعیان منطقه توسعه روزافزونی یافت. واقعیت این است که ظهور داعش به مثابه یک جریان بنیادگرای رادیکال و ایدئولوژیک که ماهیتا با هدف ساقط نمودن دول سوریه و عراق تاسیس یافت. بیش از آنکه به اهداف خود نائل شود. بستر ساز تشکیل شبه نظامیان ساختارمندی همچون حشدالشعبی در عراق و حزب الله در سوریه گردید. از طرفی این مساله بستر ساز راهبردهای ائتلافی نظامی وسیعی نیز گردید. بنحویکه امروز بسیاری از مستشاران جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عراق، سوریه، لبنان، یمن و حتی افغانستان در حال تجهیز نظامی متحدین شیعه خود می باشند. تا جایی که دانش موشکی حزب الله لبنان به یکی از مجهزترین انواع خود در خاورمیانه مبدل گردیده است. لذا این وحدت استراتژیک میان شیعیان پس از افول داعش به بیشترین میزان خود رسیده است.

هرگونه تجاوز احتمالی ایالات متحده به جمهوری اسلامی ایران به طور قطع، نیروهای نظامی و شبه نظامی شیعیان دیگر کشورهای منطقه را به این نبرد باز خواهد کرد. بنابراین دومین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با هرگونه لشکرکشی ایالات متحده استفاده از قوای استراتژیکی و نظامی متحدین شیعه در منطقه خواهد بود. (فروزان و دیگران، ۷۱-۷۲: ۱۳۹۸).

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) در سخنرانی اخیر خود به بیان جزئیات جدیدی از اقدامات مهم حاج قاسم پرداخت و از سامان دهی ارتش بیرون از مرزهای سرزمینی ایران توسط شهید سلیمانی خبر داد. و در بخش دیگری از سخنان خود مولفه های قدرت منطقه ای کشورمان را تبیین کرد.

سردار غلامعلی رشید در مراسم گرامیداشت دفاع مقدس در بخشی از سخنانش از اقدامات مهم و راهبردی نیروهای مسلح کشورمان با هدایت و رهبری فرمانده شهید سپاه قدس گفت. «شهید حاج قاسم سلیمانی ۳ ماه پیش از شهادتش در جلسه قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا با فرماندهان نیروهای مسلح گفت. که من به پشتوانه ستاد سپاه، ستاد ارتش، ستاد کل نیروهای مسلح و وزارت دفاع اکنون شش ارتش را بیرون از سرزمین ایران برای شما سازمان دهی و کانالی به طول هزار و ۵۰۰ کیلومتر و عرض هزار کیلومتر تا سواحل مدیترانه ایجاد کردم که درون این کانال، شش لشکر اعتقادی و مردمی به سر می برند و هر دشمنی که بخواهد با انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی بجننگد باید از شش ارتش عبور کند.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) افزود یک ارتش به نام حزب الله دو ارتش در فلسطین اشغالی به نام های حماس و جهاد اسلامی یک ارتش در عراق به نام حشدالشعبی یک ارتش در یمن به نام انصارالله و یک ارتش در سوریه که همین ها موجب بازدارندگی کشور عزیزمان شده است. سرلشکر رشید به تحلیل چرایی عصبانیت آمریکا از قدرت منطقه ای ایران پرداخت و گفت: عصبانیت آمریکا از قدرت منطقه ای ایران ناشی از همین امر است. که جمهوری اسلامی ایران از هر دو مولفه قدرت یعنی نیروهای مسلح قدرتمند و آماده رزم در برابر هر متجاوز خارجی در درون سرزمین و بهره مندی از یک قدرت منطقه ای در بیرون از سرزمین، برخوردار است. که این دو مولفه قدرت برای بازدارندگی از دید همه کارشناسان نظامی، ضروری و حیاتی است و نظام جمهوری اسلامی از هر دو مولفه برخوردار است.

سرلشکر رشید در بخش دیگری از سخنان خود برخورداری از قدرت را مهم ترین درس ۸ سال دفاع مقدس اعلام کرد. و گفت امروز تنها با برخورداری از قدرت می توان موجودیت، هویت، موقعیت و تمامیت ارضی ایران اسلامی را حفظ کرد. این مهم ترین درسی است که ما از هشت سال دفاع مقدس آموخته ایم. (سرلشکر غللمعلی رشید، ۱۴۰۰/۷/۴، پایگاه خبری تحلیل فردا).

-الگوی سردار سلیمانی هماهنگی و همسویی میدان و دیپلماسی:

از منظر تحلیل حقوقی به صورت قاطع می توان میان فعالیت های سردار سلیمانی و سپاه قدس در حوزه عملیاتی غرب آسیا پیوستگی قابل ملاحظه ای را با دو سطح پیشین مشاهده کرد. در واقع، حمایت از جنبش های آزادیبخش فلسطینی، لبنانی، عراقی و سایر حرکت های آزادیخواه در کل منطقه در راستای اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جهت گیری های رسمی کشور بوده است. و از این حیث، آرمان رهایی قدس، مبارزه با رژیم صهیونیستی، مبارزه با تروریسم مدعی دولت اسلامی، و... همگی دارای عقبه محکم قانونی و حقوقی هستند. و بر همین مبنا میان سه سطح ذکر شده ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی وجود دارد. از منظر سیاسی بحث اصلی پاسخ به این سوال است که از نظر عملیاتی و میدانی نقش سردار سلیمانی و سپاه قدس در تحولات منطقه ای عامل تقویت کننده سیاست خارجی و دیپلماسی بوده است؟ یا عامل تضعیف آن. بر این اساس شاخص هاس توسعه سیاست خارجی را با تقارن های نامیمون ترکیب خواهیم کرد.

تقارن های نامیمون موجب می شود کشور یا دولتی از روی اضطرار و با سرعت دست به اقدام بزند که از نظر تئوریک و در حوزه های آکادمیک قابل پیش بینی نبوده است و در آن زمان برای آن برنامه ای نوشته نشده است. از منظر شاخص های سیاسی، یکی از ابزارهای تحقق منافع ملی

داشتن متحدان وفادار و خوش سابقه در نظام بین الملل است. در طول جنگ ۸ ساله سوریه تنها کشور عربی بود که حاضر از حمایت از رژیم بعث عراق نشد. اما تداوم بهار عربی منجر به تمرکز بحران در سوریه و ظهور تروریست های چندملیتی در این کشور شد. وقوع بحران در سوریه که بصورت خاص بشار اسد را هدف قرار داده بود. به معنای از دست رفتن وفادارترین متحد ایران در منطقه استراتژیک غرب آسیا بود. از این رو فعالیت های سپاه قدس و سردار سلیمانی در غرب آسیا منجر به حفظ یکی از متحدان نزدیک ایران شد که به نقل از روزنامه گاردین ایران توانست با وجود مخالفت قدرت های جهانی و منطقه ای متحد خود را حفظ کند. که بصورت مشخص نقش سردار سلیمانی و سپاه قدس در این قضیه غیرقابل انکار است.

ایجاد یک بلوک واحد از عناصر بسیار متمایز و متنوع یکی از ابداعات سردار سلیمانی و سپاه قدس است که ایجاد چنین بلوکی مسبوق به سابقه نیست. زیرا ائتلاف ها عموماً از سوی کنشگران دولتی هستند و یا محدود به یک عنصر مانند منطقه جغرافیای نیست. نتیجه این امر در امنیت نگه دامستن مرزهای جمهوری اسلامی ایران است. از این منظر، فعالیت ها سردار سلیمانی در منطقه یکی از بهترین ابزارهایی را که برای هر کشور و یا دولتی می تواند آرمان باشد، برای دستگاه دیپلماسی ایران فراهم آورد. علاوه بر این حضور فعال و قدرتمند ایران در منطقه بویژه در مبارزه با تروریسم موجب شد که ایران بعنوان یک کنشگر غیر قابل حذف در معادلات قدرت در منطقه پذیرفته شود. حضور تعیین کننده ایران در سوریه موجب شد تا دستگاه دیپلماسی در نشست های موبوط به سوریه حضور داشته باشد و بر این تحولات اثرگذار باشد.

در خصوص بحث حضور نظامیان در سپهر سیاست نیز این امر در عرصه سیاست گذاری خارجی امر جدیدی نیست و در همه کشورها از نخبگان نظامی برای امر سیاست خارجی بهره گرفت می شود. بر این اساس می توان چنین گفت که بدون وجود میزانی از قدرت سخت «نظامی»، مذاکره، دیپلماسی و سیاست خارجی با موفقیت همراه نخواهد بود و فعالیت های سردار سلیمانی و سپاه قدس در جهت مبارزه با تروریسم و افراط گرایی موجب افزایش قدرت سخت ایران شده است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰/۸/۱۱). فرمانده کل سپاه میدان را نقدس میدانست و با اشاره به نقش سرنوشت ساز و تعیین کننده حاج قاسم در میدان گفت: او این هنر را داشت که دیپلماسی را در خدمت میدان آورد، این قوت و جامعیت شخصیت او بود که هم در میدان جهاد می جنگید و هم می توانست اجماع بسازد. ائتلاف ایجاد کند و آرایش سیاسی صحنه را تغییر دهد و در عین حال برای دیپلماسی نیز قدرت بسازد. (خبرگزاری ایلنا، سردار سلامی، ۱۴۰۰/۲/۸). در حقیقت هم توجه ایشان به میدان بود. هم به دیپلماسی، اما بخشی که

من به عنوان دیپلمات باید بگویم ما بدون میدان در میز مذاکره هیچ حرفی نداشتیم. که بتوانیم از موضع اقتدار بنزیم. آن چیزی که میز مذاکره ما را تقویت می کرد. آنچیزی که دست ما را پر میکرد، در مذاکره، میدان بود. این میدان در سطح نفوذ و دستاوردهای منطقه ای ایران بود. از اینرو تفکیک میدان و دیپلماسی اساساً بحث نادرستی است. یکی از ویژگی های سردار سلیمانی این بود که برای تحقق بخشیدن به هر ماموریتی که در حوزه برون مرزی به ایشان واگذار می شد، فقط نگاه صفر به میدان نداشت ایشان همزمان به دیپلماسی و مباحث فرهنگی و اجتماعی توجه داشت. (خبرگزاری بصیرت، امیرعبدالهیان، ۱۴۰۰/۲/۲۶).

- شکل گیری سیاستگذاری امنیتی فعال و استراتژیک در مقابل تهدیدات ج.ا.ایران:

برنامه ریزی دفاعی ایران برای مقابله با تهدیداتی است که فراروی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است. هماکنون، طیف گسترده ای از تهدیدات امنیت ملی ایران را با مخاطره روبرو ساخته است. بنابراین ضرورت های دفاعی و استراتژیک ایران ایجاب می کند. تا الگوی معطوف به حداکثرسازی قدرت را در دستور کار خود قرار دهد. نظریه پردازانی همچون آنتونی کدرزمن بر این اعتقادند که قابلیت های دفاعی ایران افزایش یافته است. از سوی دیگر قدرت سازی ایران را می توان واکنشی نسبت به تهدیدات آمریکا دانست. زمانی که تهدیدهای آمریکا افزایش می یابد، طبیعی است که نهاد های دفاعی و امنیتی ایران به آن واکنش نشان دهد. این امر بعنوان منطق رفتار استراتژیک محسوب می شود. زیرا قدرت سازی، نیازمند فضای استراتژیک است. در چنین شرایطی، هدف اصلی ایران در حوزه های دفاعی را باید حداکثرسازی قدرت استراتژیک از طریق خودکفایی دانست. تلاش های دفاعی و فرایندهای رفتار استراتژیک ایران برای مقابله با تهدیدات طراحی گردیده است. (متقی، ۱۳۸۶/۷/۸، خبرگزاری بصیرت).

سیاستگذاری امنیتی ایران را می توان برآیندی از تعامل عوامل داخلی و خارجی دانست. در رابطه با متغیرهای داخلی بایستی به نقش ایدئولوژی انقلاب اسلامی برداشت از تهدیدات فرارو اسلام و انقلاب منافع ملی دانست. در حوزه خارجی نیز فاکتورهای چون واقعیات ژئوپلیتیک، ساختار و محیط امنیتی منطقه ای و بین المللی سهم ویژه ای در شکل دهی به راهبرد امنیتی ایران داشته اند. چالش های امنیتی در خاورمیانه به واسطه ابهام، عدم قطعیت، و پیچیدگی محیطی از ماهیتی متفاوت برخوردار است. ساختار امنیتی منطقه ای به گونه ای است که رهیافت های امنیتی کنشگران را تحت تاثیر قرار می دهد. سیاستگذاری امنیتی مطلوب در چنین شرایطی مستلزم اتخاذ رهیافت ها و ساز و کارهایی است که بیشترین منافع و کمترین تهدیدها را به ارمغان آورد. ابزارها و سازو کارها به منزله اعمال اجرایی راهبرد ایران محسوب می شود. تعقیب اهداف منافع

ملی و فراملی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در میان بازیگران محور مقاومت نیازمند بهره گیری از ابزارهای متعدد سیاسی، نظامی، دیپلماتیک، مالی و معنوی می باشد. سپاه قدس بعنوان بازوی عملیات برون مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهم ترین ساز و کار اجرایی در راستای حمایت از متحدان منطقه ای تهران در قالب اقدام نظامی مستقیم محسوب می شود. در حالی که اقدام غیرمستقیم را در قالب گروه های شبه نظامی و نایبان خود در منطقه مورد پیگیری قرار می دهد. حزب الله لبنان، انصارالله یمن، حشدالشعبی عراق، لشکر زینبیون و فاطمیون از جمله این نایبان منطقه ای هستند. کمک های مستشاری نیز به عنوان جز مکمل ابزار نظامی غیرمستقیم محسوب می شود. باید توجه داشت که کمک مستشاری تنها در بعد طراحی نیست بلکه تکنیک و تاکتیک هم قابل رویت است. بخشی از ترتیبات یاد شده در زمره الزام های راهبردی کنشگری در محیط هرج و مرج خاورمیانه به شمار می آید. حضور فعال ایران در مسائل منطقه ای برای تثبیت نقش های سیاسی، امنیتی، و اقتصادی خود در منطقه و به تبع نظام بین الملل است. به عبارت دیگر، ارزش استراتژیک ایران در نظام بین الملل فعلی تا حد زیادی به ارزش نقش فعال آن در مسائل منطقه ای وابسته است. (نیاکوئی و چیرمحمدی، ۱۷۱-۱۷۳: ۱۳۹۸).

-شکل گیری راهبرد دولت قوی در محیط پر آشوب حوزه پیرامونی:

مقاومت واکنشی در برابر سیاست آشوب تلقیمی شود. اگر سیاست منطقه ای از ثبات برخوردار بوده و در نتیجه فضا برای الگوی کنش ساختاری به وجود آید. در این شرایط امکان شکل گیری منطقه قوی وجود نداشت. اما هم اکنون ویژگی اصلی امنیت منطقه ای غرب آسیا را نشانه هایی از «آشوب» و «بی ثباتی امنیتی» تشکیل می دهد. تمامی الگوهای رفتار منطقه ای در دوران موجود، مبتنی بر نشانه هایی از رویارویی با ایران است. در چنین فضایی جمهوری اسلامی ایران نیازمند ساز و کار راهبردی مبتنی بر «دولت قوی» است. دولت قوی از ویژگی های قدرت ساز در محیط منطقه ای و ساختار داخلی برخوردار است. در حوزه غرب آسیا که نشانه هایی از «کمر بند شکننده امنیتی» وجود دارد. امنیت سازی نیازمند بهره گیری از ساز و کارهای دولت قوی بوده و مفهوم منطقه قوی هیچ گونه مطلوبیتی برای مناطق آشوب زده ندارد. بنابراین طبیعی است. که ایران از ساز و کارهایی استفاده کند که قدرت خود را در حوزه منطقه ای گسترش دهد. (متقی و انعامی علمداری، ۱۵۰: ۱۳۹۹). به طور ذاتی تمامی اجزای سیاست خارجی در خدمت تقویت قدرت ملی و منافع استراتژیک کشور است. به نظم استراتژی نگاه به درون بهترین استراتژی برای تقویت قدرت ملی ایران در شرایط کنونی است. نگاه به درونی که خروجی اش ثبات و امنیت منطقه باشد. یعنی اتصال ایران به ثبات منطقه و برعکس این استراتژی به وزن و موقعیت منطقه

ای و بین‌المللی ایران می‌افزاید. از لحاظ متدولوژی، نخست: این استراتژی می‌تواند به طور هم‌زمان مقبول ایران و منطقه باشد. یعنی ایران همه چیز را از زاویه افزایش قدرت ملی در درون و نه در خارج از مرزهایش می‌بیند. حضورش هم در منطقه محدود و در واقع واکنشی فوری و طبیعی به جلوگیری از سرایت ناامنی از منطقه به مرزهای ملی و تضعیف ثبات خود است. (برزگر، ۱۳۹۷/۱/۱۵: خبرگزاری تحلیلی ایران).

یکی از راهبردهایی که در دکترین دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر دولت واقع‌گرایی دنبال می‌شود، راهبرد دولت قوی یا عبارتی دقیق‌تر قوی شدن از درون در حوزه مسائل سیاسی، اقتصادی و بطور خاص امنیتی است. شرایط ناپایدار و ژئوپلیتیک ناامن در حوزه پیرامونی، آشوب‌های محیطی، عدم استمرار نظم و هماهنگی فراگیر در بین بازیگران منطقه، و حضور بازیگران آشوب‌ساز و متخاصم فراملی مجموعه عواملی هستند که نشان از ضرورت اتخاذ استراتژی «دولت قوی» برای نخبگان سیاسی و امنیتی ج.ا.ایران است.

- تاثیر گفتمان مقاومت محور شهید سلیمانی بر تقویت توسعه نفوذ منطقه ای ج.ا.ایران:
گفتمان مقاومت دارای دو عنصر سلبی و ایجابی است. بعد سلبی گفتمان مقاومت به دنبال نفی سلطه و استکبار ستیزی است و در ایجابی آن، حمایت از مستضعفان و تمدن‌سازی نوین اسلامی را در پی دارد. حال شهید سلیمانی بعنوان چهره بین‌المللی مقاومت که بیش از دو دهه فرماندهی محور ضد صهیونیستی منطقه غرب آسیا را بر عهده داشت، تاثیر فراوانی بر ایدئولوژی مقاومت در سطح جهانی ایجاد کرده و باعث افزایش ضدیت با منافع آمریکا نه فقط در منطقه غرب آسیا بلکه در سطح جهانی شده است. بسیاری از سیاستمداران جهان، سردار سلیمانی را نماد و تصویر نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر می‌دانند. در حقیقت، شهید سلیمانی به واسطه تحولات سریع منطقه و نقش بی‌بدیل مدیریت او در صحنه‌های مبارزه علیه صهیونیسم و تروریسم، به گسترش نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و به تبعش جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا تاثیر بسزایی داشت.

نبرد با نقشه صهیونیستی خاورمیانه جدید و جلوگیری از تجزیه منطقه، از مهم‌ترین رسالت‌های حاج قاسم سلیمانی بود. او به دلیل نقش مهمی که در ریشه‌کن کردن داعش داشت شهرت جهانی یافت و در گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه، نقش اساسی ایفا کرد. نیویورک درباره شهید سلیمانی فرمانده سپاه قدس نوشته است: او یک مردی میانسال، دارای موه‌های جو‌گندمی و متواضع است. او پس از آنکه در سن کمتر از ۵۰ سالگی به فرماندهی سپاه قدس رسید به دنبال تغییر دومینوی قدرت در غرب آسیا به نفع ایران بود و در این زمینه با تاکید بر قدرت نظامی

گام برمی داشت. او نقش مهمی در حمایت از سوریه داشت و به حضور نامحسوس خود در جهان ادامه می دهد. در این راستا، رهبر انقلاب می فرماید سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان نظامی نبینیم، بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه های روشن و بزرگ انسانی مشاهده کنیم. سپاه قدس یک نیرویی است که با سعه ی صدر به همه جا و همه کس نگاه می کند. رزمندگان بدون مرزند.

رزمندگان بدون مرز، رزمندگانی که هر جا نیاز باشد، آنها در آنجا حضور پیدا می کنند و کرامت مستضعفان را حفظ می کنند. خود را بلاگردان مقدسات و حریم های مقدس می کنند. بنابراین شهید سلیمانی، رزمندگان در مرزهای مقاومت را به رزمندگان بدون مرز مبدل کرد. در مجموع می توان ادعا داشت که شهید سلیمانی، به نماد و تصویر بین المللی و گفتمان فرامرزی مقاومت تبدیل شده است. فرمانده شهید سپاه قدس که از نظر رسانه های خارجی مرد نیرومند و پر نفوذ در منطقه غرب آسیا معرفی میشد، پس از شهادتش تصویری منحصر به فرد از تقویت جریان مقاومت بین المللی و فرامرزی ایجاد کرد. سردار سلیمانی یک جبهه مقاومت فعال و متحد را چنان به نمایش گذاشت که هرگز با رفتن سردار سلیمانی آسیب نخواهد دید، بلکه قوی تر خواهد شد. (عرب پور، ۱۳۹۹/۱۰/۱۵، خبرگزاری دیپلماسی ایرانی). لایه های حفاظتی در راستای تضمین بقاء راهبردی و ارتقا ضریب امنیت ملی کشور در سطح منطقه ای ایجاد شده اند. در مقابل تهدیدات در هر نقطه از مناطق پیرامونی نقش کنترل کننده، بازدارنده و دفع کننده را ایفا می کنند. وجود لایه های حفاظتی امکان ضربه قاطع و فوری نسبت به کشورهای متخاصم را مهیا می کند و همچنین در صورت وجود اقدام علیه کشور حوزه درگیری در همان لایه های امنیتی به وقوع خواهد پیوست.

-نتیجه گیری:

راهبرد دفاعی-امنیتی چهارچوبی را طراحی می کند که کشورها بر اساس میزان فوریت و شدت تهدیدها، دستیابی به اهداف عالی دفاعی را بر اساس ملاحظات استراتژیک، محدودیت ها و امکانات تنظیم می کنند. رویکرد جمهوری اسلامی ایران به ثبات راهبردی و امنیت پایدار در منطقه بیشتر مبتنی بر چگونگی دفع تهدیدات ژئوپلیتیک دولت های متخاصم «رژیم صهیونیستی»، بازیگران محلی و فروملی با ایدئولوژی سلفی-تکفیری «داعش»، و بازیگر آشوب ساز «آمریکا» در حوزه راهبردی متمرکز شده است. محیط پیرامونی کشور با محوریت «غربی، عبری، عربی» در راستای تهدید زایی و ژئوپلیتیک زایی از حوزه راهبردی و منافع ملی جمهوری اسلامی عمل می کند. بنحویکه دغدغه امنیت همیشه و بصورت دائمی بر ملاحظات راهبردی نخبگان سیاسی و

امنیتی کشور تاثیر بسزایی داشته است. (کدخدایی و عسکری، ۶۸: ۱۳۹۸).

در این مقاله مساعی نویسندگان حول ارائه پاسخی مستدل و مبرهن بدین سوال بوده است که اندیشه و دیدگاه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی چه تاثیری در شکل گیری الگو و دکترین دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ بصورت مشخص این تاثیر گذاری در چه حوزه ها و ابعادی نهادینه شده است؟ سیاست دفاعی امنیتی کشور بر اساس ادراک نخبگان امنیتی از تهدیدات موجود شکل می گیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و با هدف کنترل و دفع تهدیدات و استمرار بقاء استراتژیک کشور راهبرد دفاعی-امنیتی جامعی را طراحی کرده است. ج.ا.ایران در حیطه ژئوپلیتیکی و به لحاظ استراتژیک تنهاست و کشورهای منطقه ای دارای تضاد سه گانه هویتی، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک با ج.ا.ایران و مجموعه محور مقاومت بعنوان متحدان راهبردی ایران هستند. بازیگران ناهمسو تضعیف حیطه راهبردی، فرسایش قدرت، و ایجاد وضعیت فاقد متحدان راهبردی، انزوای حداکثری و تجزیه ژئوپلیتیک ایران را دنبال می کنند. با توجه به بازتولید تهدید و چالش های امنیتی در محیط منطقه ای این اهداف در راستای سراریز شدن و تعمیم ناامنی های گسترده به مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران دنبال می شود و هر نوع ناامنی در منطقه و درون همسایگان بر امنیت ملی ج.ا.ایران تاثیر و افری می گزارد.

مجموعه ی این عوامل باعث شده است تا حساسیت شدیدی در بین نخبگان امنیتی کشور نسبت به تحولات پیرامونی شکل بگیرد. تقویت قدرت و حضور فراگیر ایران در حوزه راهبردی در واقع از یک ضرورت استراتژیک و منطق دولت واقع گرایی تبعیت می کند که با هدف ایجاد توازن و تداوم قدرت کشور در محیط پر آشوب پیرامونی ایجاد شده است. ذهنیت و ادراک نخبگان امنیتی کشور را به سمت و سوی امنیت جویی هدایت کرده است. تصمیم سازان و تصمیم گیران مسائل امنیتی نقش بسیار زیادی در جهت گیری راهبرد دفاعی-امنیتی کشور دارند. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از افرادی است که در طول حیات پر برکت خود تلاش های مجاهدانه زیادی را در راستای افزایش ضریب امنیت ملی کشور و انقلاب اسلامی انجام داده است. نقش مهم ایشان در سمت فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله در طول دفاع مقدس در مقابل رژیم بعث عراق بسیار مهم بوده است و عملیات های زیادی مرهون رشادت و درایت ایشان بوده است. بعد جنگ تحمیلی با ناامن شدن مرزهای شرقی توسط اشراق و عاملان کشورهای بیگانه، سردار سلیمانی به عنوان فرمانده قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در جنوب شرق کشور، امنیت پایدار را برای مردم این مناطق تامین کرد.

بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر و حمله ناتو به رهبری آمریکا به افغانستان، حضور گسترده پایگاه های آمریکا در کشورهای همسایه ج.ا.ایران، حمله آمریکا به افغانستان، شکل گیری تحولات

موسوم به بهار عربی و تکثیر گسترده سلولی تروریسم تکفیری، میزان تهدیدات توسط بازیگران فراملی، ملی و فراملی بشدت علیه منافع و امنیت راهبردی ج.ا.ایران فعال شد. نهایتاً با شکل‌گیری نوعی پیوند بین محور سه گانه غربی، عبری، عربی مستقیماً نوک حمله اقدامات ضدامنیتی این محور متوجه ج.ا.ایران و متحدان راهبردی اش متمرکز شد. دکترین دفاعی و امنیتی ج.ا.ایران حول محور پاسخ به این تهدیدات و مقابله موثر با این تهدیدات تنظیم و طراحی شده است. سپاه قدس پاسداران انقلاب اسلامی حفاظت از منافع برون مرزی و مقابله با تهدیدات برون مرزی را بر عهده دارد.

سپاه قدس که به دستور رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدینه‌العالی) در سال ۱۳۶۹ تاسیس شد. در سال ۱۳۷۶ سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از طرف رهبر معظم انقلاب به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بعنوان یک شخص نظامی و استراتژیست متفکر که بصورت کامل نسبت به تحولات پیرامونی و منطقه‌ای اشراف کامل و جامع داشت. نقش بسیار تعیین کننده در جهت کنترل و دفع تهدیدات در حوزه برون مرزی ج.ا.ایران در غرب آسیا و بطور خاص خاورمیانه داشته است. اقدامات فعال و راهبردی که شهید سردار سلیمانی انجام داد بصورت مستقیم بر شکل‌گیری، ماهیت و چهارچوب ساختاری دکترین امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی تاثیر مستقیم و تعیین کننده داشته است.

مجموعه راهبرد هایی که در سطح کلان توسط نخبگان سیاسی و امنیتی کشور با هدف ایجاد امنیت پایدار، بازدارندگی موثر و ارتقا ضریب امنیت راهبردی... اتخاذ می شود. نظیر: حضور موثر و فعال برون مرزی، شکل دادن به متحدان منطقه‌ای تحت یک جریان فعال و کارآمد بعنوان محور مقاومت، تشکیل لایه‌های امنیتی در کانون نقاط زایش تهدید و ناامن، تثبیت امکانات و حفظ توانایی توان ضربه دوم، ایجاد دفاع فعال و استراتژیک در راهبرد دفاعی کشور، شکل‌گیری گفتمان مقاومت و ضدسلطه استکبار جهانی در مقابل آمریکا، مقابله موثر و راهبردی با طرح صهونیستی تجزیه منطقه، کمک به ملت‌های مظلوم منطقه، شکل‌گیری دیپلماسی دفاعی و اقتدارآمیز، پیگیری دیپلماسی فعال رسمی و غیررسمی بین ملت‌های مسلمان منطق، بین‌المللی کردن مقاومت، ایجاد مکتب عدالت خواهی و ضدیت با استکبار، تشکیل ارتش‌های حامی و وفادار به آرمان انقلاب اسلامی در بیرون از مرزها از نظر نویسندگان مهمترین اثرگذاری راهبردی که اندیشه و دیدگاه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بر منظومه دکترین دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران داشته است: تثبیت وضعیت کنشگری «دفاع فعال، پویا و استراتژیک» است که بعنوان میراث فکری و عملی شهید سلیمانی در راهبرد دفاعی کشور نهادینه شده است. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را می‌توان از شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار در حفظ هسته قدرت ملی و امنیت

راهبردی ج.ا.ایران معرفی کرد. اقدامات مدیرانه و هوشمندانه فرمانده شهید سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران آنچنان بازدارندگی ایجاد کرد که دیگر هیچ بیگانه ای حتی فکر تعرض به مرزهای ایران اسلامی را هم نمی کند. اقدامات و تصمیمات خردمندانه و مبتنی بر عقلانیت راهبردی شهید سلیمانی از قبیل: «ارتقا جایگاه ژئوپلیتیکی و منزلت راهبردی ج.ا.ایران، کنشگری فعال امنیتی، کنترل و دفع تهدیدات راهبردی در مرزهای غیرفوری محیط پیرامونی، تقویت ذهنیت امنیت جویی در بین نخبگان امنیتی کشور، شیفت راهبرد تدافعی به راهبرد دفاع روبه جلوی فعال و استراتژیک، تشکیل کانون های امنیتی فعال در محیط پیرامونی ج.ا.ایران، امنیت سازی در محیط آنارشیک و ناهمساز منطقه ای، گستره حوزه اثربخشی و مقابله با ژئوپلیتیک تهدید، تقویت بنیاد دفاعی و بازدارندگی با حفظ امکان ضربه یا پاسخ دوم» را می توان در قالب بازیگر دارای رویکرد کنشگری فعال و مدل تصمیم گیری مبتنی بر بینش فوق العاده مورد ارزیابی قرار داد.

-منابع:

- ۱- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۷۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: سمت.
- ۲- کاظمی، سید علی اصغر، (۱۳۸۷)، روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران: قومس، چاپ پنجم.
مقالات:
- ۱- کدخدایی، مصطفی و عسکری، شهرام (۱۳۹۸). «دکترین امنیتی ج.ا.ایران با تاکید بر بازدارندگی فعال و حفظ ضربه دوم»، مجله پژوهش ملل، دوره ۴، شماره ۴۷، آبان ۹۸، صص ۷۲-۴۸
- ۲- فتحی، محمد جواد: عیوضی، محمدرحیم و پیرانی، شهره (۱۳۹۹). «جایگاه بازدارندگی برون مرزی در منظومه دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران در آسیای غربی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، پیاپی ۳۲، صص ۳۰۳-۲۶۵
- ۳- متقی، ابراهیم و انعامی علمداری، سهراب (۱۳۹۹). «مدا تحلیلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران آشوب»، فصلنامه: جستارهای انقلاب اسلامی ایران»، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۵۴-۱۳۴
- ۴- نیاکوئی، سیدامیر و پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۸)، «سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال منازعات پس از بهار عربی (۲۰۱۱-۲۰۱۸)»، فصلنامه سیاست گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۹۴-۱۶۷
- ۵- قنبری، محمد و بیات، بهرام (۱۳۹۸)، «محیط شناسی تهدیدات تروریستی در سطح ج.ا.ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۸۵-۱۵۹
- ۶- فروزان، یونس: عبدالرضا، عالیشاهی و رفیعی، مجید (۱۳۹۸)، «کنشگری تدافعی ج.ا.ایران در قبال هژمونیسیم نو محافظه کاران آمریکا از پسابرجام تا سال ۲۰۱۹ میلادی»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۹۱-۶۵
- ۷- غلامی، نجمه (۱۳۹۹)، «تحلیل امنیت در مکتب شهید سلیمانی»، فصلنامه تخصصی مدرسه حکمرانی شهید سلیمانی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۴۸-۳۴
- ۸- موسوی، سید محمد (۱۳۹۸)، «مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم ولایت»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۸، شماره ۱۵، صص ۱۰۰-۷۵
- ۹- قیصری، نورالله (۱۳۹۲)، «امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۹، شماره ۱، (پیاپی ۱۷)، صص ۶۲-۴۵
- ۱۰- طاهری، ابولقاسم و کریمی فرد، حسین (۱۳۹۱)، «هویت ملی و سیاست خارجی ج.ا.ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۸، شماره پیاپی ۱۸، صص ۱۵۴-۱۲۵

- ۱۱- امیری، سروش و کیانی، حسین (۱۳۹۸)، «گفتمتن مقاومت شهید سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین الملل»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۰-۹
- ۱۲- محمودی رجا، سیدرضا: دولت آبادی باقری، علی و راوش، بهنام (۱۳۹۷)، «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی، سال ۷، شماره ۴، صص ۲۸-۸
- ۱۳- قاسمی، فرهاد و فرجی، محمدرضا (۱۳۹۷)، «نظریه پیچیدگی و سیاست خارجی راهبردی ایران در غرب آسیا»، پژوهشنامه ایرانی روابط بین الملل، سال ۷، شماره ۱، صص ۱۳۸-۱۱۳
- ۱۴- صالحی، سیدجواد و فرحبخش، عباس (۱۳۹۵)، «پایگاه سازی نظامی آمریکا و بازدارندگی ج.ا.ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۴، شماره ۹۶، پاییز ۱۳۹۵، صص
- ۱۵- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۰۵-۱۸۴
- ۱۶- باقری، محسن؛ امیری، علی و یزدانی، عنایت الله (۱۴۰۰)، «تاثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک ج.ا.ایران»، فصلنامه مطالعات صلح، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۲-۶۵
- ۱۷- محمدتقی، آذرشب و مومنی، سیدجواد (۱۳۹۶)، «الزامات منطقه ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۱، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۶۱-۱۳۷
- ۱۸- قاسمی، فرهاد و فرجی، محمدرضا (۱۳۹۷)، «نظریه پیچیدگی و سیاست خارجی: راهبردهای ایران در غرب آسیا»، فصلنامه: ایرانی روابط بین الملل، سال ۷، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۳۸-۱۱۳
- ۱۹- آقایی، سید داوود و نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۸)، «محیط امنیتی و سیاست گذاری خارجی و امنیتی ارائه الگوی تحلیلی»، دوره ۹، شماره ۲۳، صص ۲۲-۱
- ۲۰- بالایی، حمید و اسماعیلی، محسن (۱۳۹۴)، «الگوی راهبردی تامین امنیت ملی در سیاست های کلی نظام ج.ا.ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۳۷-۵
- ۲۱- گلشنی، ابودر، (۱۳۹۶)، «عوامل شکل گیری سیاست بین المللی»، فصلنامه: مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۲۲، تابستان ۹۶، صص ۹۶-۱۰۹.

-اینترنت:

- ۱- عرب پورامیرحسین (۱۳۹۹/۱۰/۱۵)، «شهید سلیمانی و تصور فرامرزی گفتمان قهرمانی که نماد نفوذ ایران بود»، خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، کد خبر: ۱۹۹۸۷۲۱. <http://www.irdiplomacy.ir>
- ۲- برزگر، کیهان (۱۳۹۷/۱۱/۱۵)، «بهترین استراتژی برای ایران»، خبرگزاری آخرین خبر، کد خبر: ۷۶۷۰۱۱. <http://khabaronline.ir/news>

۳- متقی، ابراهیم (۱۳۸۶/۷/۸)، «چالش ای درون ساختاری و فرآیندهای امنیتی خاورمیانه»، خبرگزاری بصیرت، کد خبر: ۱۳۵۰۳ <http://www.basirat.ir>

۴- سلامی، سرلشکر حسین، (۱۴۰۰/۱۲/۸)، «همه چیز در میدان شکل می گیرد سردار سلیمانی دیپلماسی را در خدمت میدان آورد»، کد خبر: ۱۰۶۹۶۹۷ <http://www.irna.news/fa/tiny/> ۱۰۶۹۶۹۷

۵- خبرگزاری ایرنا، (۱۴۰۰/۸/۱۱)، «دیپلماسی و میدان: نقش سردار سلیمانی در پیشبرد سیاست خارجی»، <http://www.irna.ir/xjwqg>

۶- امیرعبدالهیان، حسین، (۱۴۰۰/۲/۲۶)، «سردار سلیمانی ورد دیپلماسی و میدان بود»، خبرگزاری بصیرت، کد خبر: ۳۳۰۵۸۰ <http://www.basirat.ir>

۷- سرلشکر رشید، غلامعلی، (۱۴۰۰/۶/۴)، «روایت سرلشکر رشید از ۶ ارتشی که حاج قاسم در خارج از مرزها ایجاد کرد»، پایگاه خبری تحلیلی فردا نیوز، کد خبر: ۱۰۹۸۶۵۷ <http://www.fardanews.com>

۸- اکبری، علیرضا (۱۳۹۵/۷/۲۴)، «دکترین امنیتی ایران در خاورمیانه»، خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، کد خبر: ۱۹۶۳۷۰۶ <http://www.irdiplomacy.ir>

۹- دیوسالار، عبدالرسول (۱۴۰۰/۹/۲۵)، «چرا دکترین بازدارندگی ایران هنوز موثر است؟»، سفرنامه دنیای اقتصاد، کد خبر: ۳۵۲۷۶۸۶ <http://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news>

۱۰- پاک آیین، محسن (۱۳۹۹/۱۰/۷)، «حاج قاسم و نظریه امنیت منطقه ای»، خبرگزاری تحلیلی ایران، کد خبر: ۱۴۷-۱۵۱ <http://www.khabaronline.ir/news>

۱۱- طاهرخانی، سعیدرضا (۱۱، ۱۳۹۸/۱۶)، «چرا مناطق مرزهای غربی مهم است. علل حضور ج.ا.ایران در شرق مدیترانه»، خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، کد خبر: ۱۹۸۹۳۳۱ <http://www.irdiplomacy.ir>

۱۲- خبیری، کابک (۱۳۹۳/۲/۲۹)، «راهبرد دفاعی ج.ا.ایران ملزومات و راهکارها»، خبرگزاری بصیرت، کد خبر: ۲۶۶۹۴۰ <http://www.basirat.ir>

۱۴- هادیان، ناصر (۱۳۹۹/۱۰/۱۶)، «امنیت ملی از نگاه سردار سلیمانی»، روزنامه دنیای اقتصاد، کد خبر: ۵۰۷۷ <http://magiran.com/article> ۴۱۳۵۰۰۰

۱۵- صدرالحسینی، سیدرضا (۱۴۰۰/۸/۲۵)، «ابعاد فتنه های منطقه ای در غرب آسیا، سناریوی واشنگتن در منطقه غرب آسیا، آمریکا در گر قدرت بلامنازع نیست»، کد خبر: ۵۳۵۲۴۲ mehrnews.com ۵۳۵۲۴۲

۱۶- برزگر، کیهان (۱۳۹۹/۱۰/۱۶)، «امنیت ملی از نگاه سردار سلیمانی در سمینار اندیشکده

حقوق، الهیات و علوم سیاسی»، خبرگزاری دنیای اقتصاد، کد خبر: ۵۰۷۷، magiran.com/4135000/article

۱۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، (۱۴۰۰/۸/۱۵)، «چالش های امنیتی منطقه و نقش سردار سلیمانی در صلح و امنیت اروپا»، <https://www.irna.ir/news/84169628>

۱۸- متقی، ابراهیم (۱۳۹۹/۱۰/۱۴)، خبرگزاری ایسنا، «کار سردار سلیمانی ایجاد موازنه از طریق قدرت سازی، تحریک ژئوپلیتیکی، و ائتلاف سازی بود»، کد خبر: <http://www.isna.ir/9910141146>

۱۹- سردار کریمی، محسن (۱۳۹۹/۱۰/۱۲)، «هجر حبیب نقش حاج قاسم در تامین امنیت ایران و جبهه مقاومت»، خبرگذار تنسیم، <https://www.tansimnews.com/2421659>

۲۰- واعظی، محمود (۱۳۸۷/۱/۱۷)، «رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی»، خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، کد خبر: <http://www.wirdiplomacy.ir/11176>

۲۱- پاک پرور، محسن (۱۳۹۹/۱۰/۱۲)، «چالش های امنیتی منطقه و نقش سردار سلیمانی در صلح و امنیت»، خبرگزاری ایرنا، کد خبر: <http://www.irna.ir/news/2583>

۲۲- شبکه اطلاع رسانی دانا، (۱۴۰۱/۱۰/۱۳)، «شجاعت و دلیری سردار سلیمانی در نبرد با دشمنان، مردم داری و سلحشوری دو ویژگی که قهرمان حاج قاسم با هم داشت»، کد خبر: <https://dana.ir/news/1797648/html/share.1796648>

۲۳- کنعانی، خبرگزاری مهر، (۱۴۰۱/۱۰/۱۰)، «میزگرد مبارزه با تروریسم در غرب آسیا، سردار سلیمانی چهره بین المللی مقاومت بود»، کد خبر: <http://mehrnews.com/news/5669122>

۲۴- گفت و گو با سردار حسین دهقان، (۱۳۹۹/۱۰/۱۳)، «شاخصه های فرماندهی و مقاومت در سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی»، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۸، <http://psri.ir?id=ajdvv6g2>

۲۵- دیپلماسی ایرانی، (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)، «سردار قلب ها در سیاست داخلی الگوی اعتدال بود، ژنرال کم نظیر ایران»، کد خبر: irdiplomacy.ir/fa/news/2016836

۲۶- شورای راهبردی روابط خارجی (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)، «نقش شهید سلیمانی در ارتقا قدرت بازدارندگی ایران و جبهه مقاومت اسلامی»، کد و شماره خبر: scfr.ir/fa/2/147908/10